



# آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی  
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آبان ماه ۱۳۵۶

سال سوم، شماره ۸



## در این شماره :

- ۳ پی آدهای انقلاب اکبر
  - ۸ تار یخ ( شعر )
  - ۹ پیوند میان جنبش کارگری و جنبش دانشجویی  
را عمیق تر سازیم
  - ۱۰ ورزش - جوانان - سیاست
  - ۱۵ ۶۰۰ هزار تریاک ، ۳۰۰ هزار هروئینی  
۵۰۰ هزار حشیشی ...
  - ۱۸ حق با مقامات فرانسوی است
  - ۱۹ کتاب
  - ۲۱ کرویسکا یا
  - ۲۲ ادیسی در دوازدهمین کنفرانس اتحادیه  
بین المللی دانشجویان
  - ۲۴ خط مشی مغایر با منافع خلقها
  - ۲۵ پرخاش در قالب هنر
  - ۲۸ شما کارخانه نه لازم !
  - ۳۱ ما و خوانندگان
- روی جلد :

تابلوش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر

یشت جلد :

طرحی عصیانگر اثر هنرمند برجسته  
ایتالیایی امیلیو باراکو

آدرس بانکی

Hanfriedrich Wieland  
Berliner Bank  
Konto Nr. 3446289900

آدرس پستی

Postfach 11 - 0709  
1 Berlin 11 - W. B.

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic  
Youth and Students of Iran

Price: 1,- DM or its equivalent in all other countries

بها معادل ۱ مارک آلمان قدرال

## سخنی باشما

• اکتبر ۱۹۱۷ سرآغاز فصلی جدید و بی سابقه در تاریخ بشریت و نیز اولین تجربه موفق در زمینه عملی ساختن تئوریهای انقلاب مارکسیستی است .

باگذشت ۶۰ سال ، اکنون دیگر نهال اکتبر ریشه دار پرتوان و آب دیده شده است ، تهاجم هارترین نیروهای ارتجاعی را دفع کرده و به تجربیات بسیار غنی در امر ساختن سوسیالیسم دست یافته ، عمده ترین تکیه گاه نیروهای انقلاب جهانی است و در صحنه بین المللی از وزن و اعتبار غیر قابل چشم پوشی برخوردار . مقاله " پی آمده های انقلاب اکبر " کوششی است در نشان دادن اهمیت این رویداد دوران ساز .

• اعتیاد در ایران بیداد میکند .

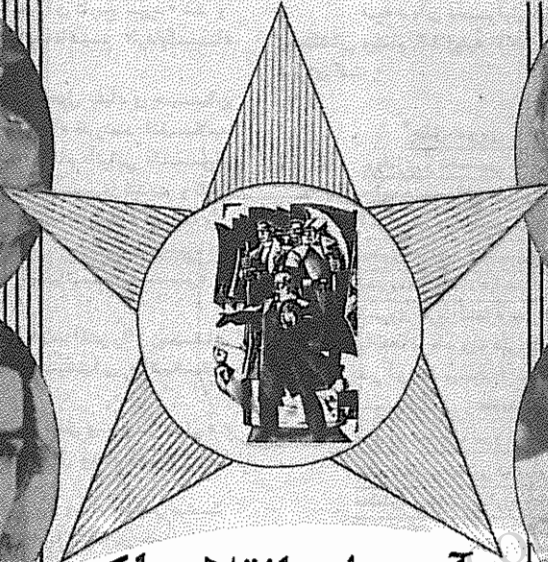
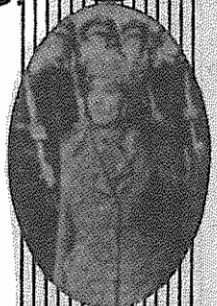
در ادعای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد ، مانند مبارزه با بیسوادی و دهها ادعای دیگر ، شاه و خواهرش اشرف خروارها کاغذ سیاه کرده اند . در " سینارها " و " سمپوزیوم " های داخلی و بین المللی سخنرانی کرده و چه کلمات انساندوستانه ای که در غم معنادار به زبان نیارود اند . اما بر شمار معنادار این ایران روزیبه روز افزوده می شود ، و این تعجب آور نیست زیرا نه تنها این دو به روایتی مانند " پدر تاجدار " خود میانه خوبی با این " مواد " دارند ، بلکه خود از تاجران عمده همین المللی آفتند .

مقاله " بایان سپاه " ، محمد رضا شاه به فتح دروازه هگ کد ام تمدن بزرگ برخاسته است " ، دست خاندان پهلوی را در این بازی مرگ " نشان می دهد .

• در شرایط تسلط ترور و خفقان ، " پهنه ای اندیشه و هنر جولانگاه " هنرمندانی " مزدور پای بند به " هنر برای هنر " و گریزان از هنر مردمی است .

در مقابل ، هنر پرخاشگر با مبارزه بی امان و خصلت بالنده ، جای راستین خود را در صفوف مبارزان ضد ارتجاع می یابد . هنر به مثابه انعکاسی ظریف از واقعیت جامعه و نیز به سبب تأثیرگذاری شدید آن ، از حربه های برآو کاری مبارزه بر علیه پلیدی هاست ، از این روسازما ما از بدو پیدایش خود به این عرصه موثر و سازنده به عنوان یکی از ابزار مبارزه ضد رژیم " ، توجه ویژه داشته است . برپائی پی در پی نمایشگاه های گوناگون از آثار پرخاشگرانه هنرمندان شرقی ایرانسی و خارجی ، در خدمت این عرصه از مبارزه است .

استقبال یازدهم کنندگان و انعام کس آن در مطبوعات ، بازتاب موفقیت سازمان در این پهنه ساز مبارزه افشاگرانه ضد رژیم است . در این مورد مقاله " پرخاش در قالب هنر " را بخوانید .



## پی آمدهای انقلاب اکبر

۶۰ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، بزرگترین رویداد انقلابی و اجتماعی عصر ما میگذرد. شمالی جهان، بعد از این رویداد دوران ساز دگرگون شد و حاکمیت سرمایه در بیش از ۱/۶ کره ارض پایان یافت. از همان فردای پیروزی انقلاب، کاخ نشینان لندن پاریس، واشنگتن به پایداری و ثبات حکومت کارگران و دهقانان تردید کردند و آنرا "شهادت زودگذر" خواندند و اذعان کردند که به زودی در زیر فشار و معضلات ناشی از بی تجربگی، فقر و اغتشاش از هم خواهد پاشید. اما پس از اینکه به تلاشی آن بوسیله ضد انقلاب، امررها (سوسیال رولوسیوترها) و ژنرالهای ژاپنی ناامید شدند، آنرا در محاصره اقتصادی گرفتند تا از این طریق حکومت جوان شوروی را از پای در آورند. هنگامیکه در این تدبیر هم ناکام ماندند، حمله آشکار مسلحانه را علیه آن سازمان دادند و هیتلر و موسولینی را بسوی آن کیش کردند. هرچند که هجوم ارتش هیتلری و موسولینی به اتحاد شوروی به قربانی شدن بیش از ۲۰ میلیون انسان زحمتکش شوروی انجامید، اما فاشیسم هیتلری و موسولینی با قهرمانی وفد اکاری خلقی؟

جمهوری‌های شوروی به زباله‌دان تاریخ سپرده شد و  
برروی ویرانه‌های ناشی از جنایت فاشیسم، اردوگاه  
صلح و سوسیالیسم بنا گردید.

انقلاب اکثره‌سیری دیگر در تحول بنیادی جهان  
گشود. با کمک اتحاد شوروی پایگاه قدرتمند انقلاب  
جهانی، انقلابات چین، کُره، ویتنام، آلبانی، کوبا،  
لائوس، کامبوج، آنگولا و موزامبیک پیروز شدند و کاخ  
"آقای استعمار در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای  
لاتین فروپاشید و خلفای یکی پس از دیگری با برخورداری  
از پشتیبانی نیرومند اردوگاه سوسیالیسم، پیروزه  
استعمار را به خاک مالیدند.

بهتر است نقش و اهمیت انقلاب اکثر را از زبان  
رهبران کشورهای از بندرسته و جنبشهای رهاپیشش  
ملی بشنوم.

هوشی-مین رهبر کبیر خلق ویتنام در باره  
اهمیت انقلاب اکثر در پیروزی خلق ویتنام گفت:

"طبقه کارگر و تمام مردم ویتنام هر قدر بیشتر  
در باره گذشته موهن و اسارت یار خود، در  
باره مراحل پرمشقت و فداکارانه مبارزات خویش  
که به یک چنین پیروزیهایی افتخار آمیزی  
انجامید، بیاندیشد، بهمان اندازه عمیقتر  
به این مطلب پی میبرند که تاجه حد مرهون  
لنین و انقلاب اکبیر میباشند."

مائوتسه دون در کنگره هشتم حزب کمونیست  
چین در باره اهمیت تاریخی انقلاب اکثر و  
نقش اتحاد شوروی در پیروزی انقلاب چین گفت:  
"اگر بخواهیم مطلب را از جهت بین-  
المللی مطرح کنیم باید گفت که پیروزی ما در  
پرتو پشتیبانی اردوگاه صلح و دمکراسی و  
سوسیالیسم که اتحاد شوروی براس آن قرار  
دارد و حمایت خلقهای صلح دوست جهان  
بدست آمد."

فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا درباره  
محاصره اقتصادی کوبا از جانب امپریالیسم و نقش قاطعانه  
اتحاد شوروی در حفظ انقلاب کوبا گفته است:

"هر اقدام تجاوزکارانه اقتصادی امپریا-  
لیستها با همبستگی برادرانه اتحاد شوروی  
پاسخ داده شد. حزب کمونیست لنین،  
دولت خلقی که در آتش انقلاب کبیر اکبیر  
آیدیده شده اند، قاطعانه کمک نمودند تا  
نخستین انقلاب سوسیالیستی در این قاره و  
علیرغم ضربات سخت امپریالیسم بر اقتصاد  
آن، پایدار بماند."

لیه دوآن دبیر اول کمیته مرکزی حزب  
زحمتکشان ویتنام ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲ در باره اتحاد  
شوروی گفت:

"خلق شوروی که پیشآهنگ انجام انقلاب

پرولتری و نخستین خلق سازنده کامیابانسه  
جامعه سوسیالیستی و تسخیر فضای کیهان  
است، همچنین نخستین خلقی است که راه

بسوی جامعه کمونیستی، بهار جاو یسدان  
بشریت را گشوده است. سراسر کشور پهنای  
شوروی امروز گستره سازندگی عظیمی است که

پایه‌های مادی و فنی کاخ شکوهمند کمونیسم  
در آن بنا میشود. توانائی روزافزون کشورها  
سوسیالیستی و عظمت و نیرومندی اتحاد

شوروی تناسب نیرو در جهان را از بنیاد  
بمنفع انقلاب تغییر داد و به وثیقه‌های  
مطمئن و محتر مبارزه خلقها در راه آماجهای

رفیج عید ما صلح، استقلال ملی، دمکراسی  
و سوسیالیسم تبدیل شده است. (تکیه از ک)

تکوین خوبخو، رئیس هیئت نمایندگی  
جمهوری ویتنام جنوبی ۱۹ دسامبر ۱۹۷۲ در مسکو  
گفت:

"برای مردم ویتنام جنوبی و همه هم  
میهمان ما در سراسر کشور ویتنام، دیرزمانی  
است که نام اتحاد شوروی خودی و دوست

داشتنی شده است. مردم ما نه تنها به این  
مطلب واقفند که اتحاد شوروی، همین انقلاب  
اکبیر است که برای خلقهای زیرستم و اسارت

عید نوینی گشوده و راه آینده تابناک و  
آزادانه را به آنها نشان داده است.

مردم ویتنام جنوبی همچنین میدانند و  
عمیقاً آگاهند که خلق برادر شوروی با تعقیب  
راهی که لنین بزرگ نشان داده و در

اهتزاز نگاه داشتن پرچم شریف انترناسیونال  
لیسم، پیگیرانه و باثبات، پشتیبان خلقهای  
است که مبارزه میکنند. (تکیه از ک)

صدر کمیته مرکزی جبهه میهن پرستان  
لائوس در باره کمک بیدریخ اتحاد شوروی به خلق لائوس  
گفت:

"خلق با شهادت شوروی که به اصول  
انترناسیونالیسم لنین کبیر وفادار است،  
مساعی خود را برای ساختن کمونیسم،

بهبود مستمر سطح زندگی و رفاه خویش  
بکار مینندد و در عین حال از مبارزهٔ خلقها  
از انجمله خلق لائوس در راه آزادی ملی  
صادقانه پشتیبانی میکند و به آن کمک مؤثر  
مینماید \*

پنی نوت-صدر دفتر سیاسی  
کمیتهٔ مرکزی جبههٔ واحد ملی کامبوج و نوردم سیهانوک  
رئیس دولت پادشاهی کامبوج و صدر جبههٔ واحد ملی  
کامبوج در تلگرام تشکر از کمک های اتحاد شوروی گفته اند:

"خلق کامبوج که بیش از ۴ سال است  
علیه جنگ تجاوزکارانهٔ امپریالیسم آمریکائو  
کامشکان آن و در راه آزادی ملی خود  
قهرمانانه مبارزه میکند، برای مردم شوروی  
کامیابهای بزرگ-بیشتری را در تمام رشته ها  
ساختن سوسیالیستی آرزو میکنند \* در این  
عهد فراموش نشدنی تاریخ بشریت که بسا  
ایده آلهای عالی و شریف انقلاب پر افتخار  
اکتبر و آموزش نین بزرگ ثبت شده است، به  
ما اجازه بدهد باریگر سیاستگری عمیق  
خود را به دولت و مردم شوروی در 'از' بذل  
یاری و پشتیبانی از مبارزهٔ ما در  
راه آزادی همین ابراز داریم \*

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش  
فلسطین دربارهٔ کمکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی  
اتحاد شوروی به خلق فلسطین گفت:

"اگر ما امروز در مبارزهٔ عادلانهٔ خلق  
فلسطین به مواضع شما اتکا میکنیم، بدانجهت  
است که این مواضع بازتاب دُرستین اصول  
لنینی انقلاب اکتبر است که حزب کمونیست  
اتحاد شوروی در رأس آن بود \*

سامورا ماتسسل، رهبر فریلمو، رئیس جمهور  
موزامبیک دربارهٔ اتحاد شوروی گفت:

"ما میخواهیم روابط نمونه‌واری میان  
جمهوری خودهای موزامبیک و اتحاد جماهیر  
شوروی سوسیالیستی بنیاد نهیم \* روابطی که  
نشان از یک پیوند طبیعی دارد \* اتحادی  
است میان برادران طبقاتی، اتحادی است  
ایدئولوژیک میان رزمندگان بایک هدف  
مشترک \*

رئیس جمهور تانزانیا گفت:

"اتحاد شوروی در پشتیبانی از جنبش  
سهای آزادیبخش آفریقا برای بدست  
آوردن استقلال سرزمینهای خود نقش  
عظیم داشته و دارد \*

آگوستینو نتسو، رهبر ام. ب. ال. آ. رئیس  
جمهور آنگولای پیروز، در سخنرانی خود در سازمان  
همبستگی با خلقهای آفریقا، آسیا گفت:

"کشورهای سوسیالیستی به نبرد ما  
علیه امپریالیسم کمکهای بسیار ارزند مکرده اند  
اردرگاه سوسیالیسم متحد واقعی خلق آنگولا  
و همچنین خلقهای آفریقا، آسیا میباشند \*

## تأثیر انقلاب اکتبر در جامعهٔ ایران

انقلاب اکتبر برای مردم ما هم، ارمان ویژه‌ای آورد و  
قرارداد ننگین تقسیم ایران بین روسیه تزاری و انگلستان  
را منسخی اعلام کرد \*  
لنین در اولین خطابهٔ خود به عنوان صدراعزیز  
کمسرهای خلق به تام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق  
چین گفت:

"ما اعلام میداریم که قرارداد تقسیم  
ایران از هم دریده و نابود شده است. از  
جانب روسیه و دولت انقلابی آن، اسارت در  
انتظار شما نیست، بلکه از جانب درندگان  
امپریالیست یعنی از جانب آنتیپاتی است که  
میهن شما را به مستعمرهٔ توهین شده و تاراج  
رفته خویش مبدل ساخته اند \*

گنورنی جیجرین، وزیر امور خارجهٔ روسیه  
شوروی در بارهٔ قرارداد ننگین ۱۹۱۹ انگلیس که ادارهٔ  
امور ارتش و مالیه و دیگر امور مهم مملکتی را به انگلیس  
مسپرد، روز ۱۳ اوت ۱۹۱۹ اعلام داشت:

"در این لحظه که درندهٔ انگلیس  
میخواهد کمند اسارت قطعی را برگردن مردم  
ایران بیاندازد، روسیهٔ شوروی رسماً اعلام  
میدارد که قرارداد انگلیس و ایران را برسمیت  
نمیشناسد و آنرا فاقد اعتبار میسرد \*

مبارزات نیروهای مترقی ایران علیه قرارداد ننگین  
۱۹۱۹ و حمایت دولت شوروی از این مبارزات، سرانجام  
به شکست قرارداد استعماری ۱۹۱۹ و انعقاد قرارداد

نداستعماری ۱۹۲۱ میان دولت ایران و شوروی  
انجامید .

لرد کورزن ، وزیر امور خارجه بریتانیا  
در گزارشی به مجلس اعیان انگلیس ، از تغییر اوضاع ایران  
اظهار تأسف کرد و ادعا نمود که نقش انگلستان  
برای تبدیل ایران به مستعمره ، نقش برآب شده است .  
(تکیه ازک ، ۰)

دکتر متین دفتری ، یکی از رجال سرخس  
ایران در اینباره میگوید :

"ویلاخره لنین اعلام نمود که عهدنامه  
۱۹۰۷ روس و انگلیس را پاره کردم و کلیه  
اختیارات دولت جنابرتزری در ایران ملغی  
است . این تظاهرات ایجاد هیجانسی در  
افکار عمومی ایران کرد ، مردم غرق شادی شدند  
و سه یکدیگر تبریک گفتند ."

دکتر محمد مصدق از نفس سازنده  
اتحاد شوروی در سیاست کشور ما گفته است :

"چنانکه من در گذشته دیدم ، اگر  
دولت اتحاد شوروی از صحنه سیاست بین  
المللی ایران غایب بود ، برای ما درهوی  
آزاد تنفس دشوار است ."

## انقلاب اکبر و چپ‌های دروغین

اهمیت تاریخی انقلاب اکبر و نقش‌شوی اتحاد  
شوروی در مبارزه علیه امپریالیسم ، استعمار و حفظ صلح و  
دوستی ملل به انواع مختلف توسط مبلغین سرمایه‌داری ،  
مائوئیستها ، تروتسکیستها ، ناسیونالیستهای منحرف  
مخدوش‌مینود ، جالب است که دستگاه تبلیغاتی  
امپریالیسم با همه اختلافات ظاهری با مائوئیستها و ترو  
تسکیستها برای انحراف جوانان همان گفته‌های آنها را  
علیه اتحاد شوروی پخش و تبلیغ میکند . واژه‌های  
نظیر "سوسیال امپریالیسم" ، "سوسیالیسم در حرف" ، "امپری  
الیسم در عمل" ، "احیا" سرمایه‌داری در شوروی ، "تاریخ  
دو ابرقدرت" ، "سیاست ضد انقلابی شوروی" ، "سیاست ضد  
خلق" ، "جری" ، "که دائماً از جانب عدّه‌ای به بازار مکاره  
ضد شوروی آورده میشود ، بجز انحراف و تضعیف مبارزه  
متشکل ضد امپریالیستی" نتیجه دیگری ندارد .

فیدل کاسترو ، رهبر انقلاب کوبا  
در باره کارزار ضد شوروی چپ‌های دروغین میگوید :

"بهمان اندازه که برنامه لنینی در اتحاد  
شوروی پیروز میگردد ، ... بهمان اندازه هم

کینه افسار گسیخته ارتجاع جهانی و متفکر  
پیش‌شدهت مییابد .

در جنبش انقلابی ، چپ‌های دروغین و  
مرتدانی هم وجود دارند که از مواضع به  
اصطلاح مارکسیستی به اتحاد شوروی بهتان  
مسیرزند و بزدرانه به انترناسیونالیسم  
پرولتری خیانت میورزند و به امپریالیسم  
خدمت میکنند . (تکیه ازک ، ۰) ولی هیچکس

با اندازه هیلر به اتحاد شوروی بهتان

نرسیده است ، هیچکس  
با اندازه او خواب بدنام ساختن و نابود  
کردن دولت بزرگی را که لنین بوجود آورد ، در  
سر نهروراند هاست . ولی حقیقت نیرومندتر از  
آن از آب درآمد . تاریخ نیرومندتر از آب در  
آمد . قهرمانی خلق‌های شوروی نیرومندتر از  
آب درآمد ."

فیدل کاسترو در جواب به تهمت‌های چپ‌های  
دروغین در باره "سیاست نواستعماری اتحاد شوروی" و  
تبلیغات موزیانه مبلغین سرمایه‌داری برای یکسان جلوه  
دادن کفک‌های اتحاد شوروی و روابط غارتگرانه امپریالیسم  
با کشورهای تحت‌سیستم میگوید :

"اتحاد شوروی بعنوان یک کشور سوسیال

لیستی و عمیقاً انترناسیونالیستی در میهن  
ما ، نه معدن ، نه یک هکنار زمین ، نه کارخانه  
و نه موسسات خدمتانی در اختیار دارد .

اتحاد شوروی یک کویک هم برای سود  
جویی در کوبا سرمایه‌داری نکرده است و حتی  
یک کارگر کوبایی هم در موسسه‌ای که در  
مالکیت اتحاد شوروی باشد ، کار نمیکنند . این  
تفاوتی است چشمگیر و عمیقاً اصولی بین  
مناسبات انترناسیونالیستی کوبا و اتحاد  
شوروی و مناسباتی که در کشور ما سنت بوده ؛  
کشوری که در آغاز مستعمره اسپانیا بود و بعد  
تحت سلطه نواستعماری یانکی‌ها درآمد ."

(تکیه ازک ، ۰)

ژنرال جیباب ، وزیر دفاع جمهوری  
دمراتیک ویتنام و بزرگترین استراتژ جنگ بار تیزانسی  
و قهرمان ملی ویتنام در باره نقض ارتش آزاد یخس  
اتحاد شوروی در ۲۴ فوریه ۱۹۷۲ درهائوی گفت :

"مردم ویتنام و نیروهای مسلح آنان در  
پیکار خود علیه تجاوز آمریکا و در راه رها نسی  
ملی و در عرصه ساختن سوسیالیسم ،

پشتیبانی نیرومند و کمک های بزرگ و مؤثر مردم شوروی و نیروهای مسلح اتحاد شوروی و نیز کشورهای سوسیالیستی دیگر راپیوسته حس میکنند. این کمکهای گرانبها که بسر بنیاد انترناسیونالیسم پرولتری انجام میگردد درنیل به پیروزیهایی که مردم و بیتام طسی سالهای اخیر بدست آورد هاند، بیبهم مبعی داشته است.

چه گوار انقلابی فقید در سال ۱۹۶۰ در رأس یک هیئت اقتصادی عازم شوروی شد. او در این دیدار شدیداً تحت تأثیر دستاورد هایی که نصیب خلقهای شوروی شده قرار گرفت و چنین گفت:

" ما از لحظه ای که پایه خاک شوروی گذاشتیم احساس کردیم که شوروی کشور سوسیالیسم در روی زمین است اگر هزار بار این جمله را تکرار کنیم خسته نخواهیم شد."

جاست که نیروهای اصیل ضد امپریالیست و ضد رژیمهای ارتجاعی از تجربیات مبارزه و پیروزی سایر خلقها بیاموزند، تا به نقش اتحاد شوروی در این پیروزیها واقف گردند. کافیست یک لحظه جهانی را در ذهن خود مجسم کنیم که اتحاد شوروی با قدرت اقتصادی، نظامی کنونی وجود نداشت. آنوقت امپریالیسم چه دنیایی

میساخت! چقدر این جمله کوتاه فیدال کاسترو که در کنفرانس کشورهای غیر متعهد در الجزیره گفته است، پرمحتوی است:

" صرف وجود اتحاد شوروی مانعی برای ماجراجویی نظامی نیروهای تجاوز کار امپریالیستی است."

آیا گفتار صریح رهبران کشورهایی که سالیان دراز از کمکهای بی شائبه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی اتحاد شوروی برخوردارند و امروز با قدر دانی درحد ستایش، پیروزی خود را در پرتو این پشتیبانی میدانند، کافی نیست که به جنجال ضد شوروی گنه در حقیقت در خدمت استراتژی امپریالیسم است، خاتمه داد؟

بهترین طریق خروج جوانان از هیستری ضد شوروی، آموزش جدی مارکسیسم لنینیسم، مطالعه دقیق تاریخ حزب کمونیست شوروی و بررسی رویدادهای جهان از زمان انقلاب اکتبر تا کنون است. تنها یادک دیالکتیکی این رویدادهای تاریخی است که میتوان به اهمیت وجودی اتحاد شوروی، پایگاه انقلاب جهانی آگاه شد.

ک



جاودانه باد مشعل فروزان انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

# تاریخ

(به مناسبت ۶۰مین سالگرد انقلاب اکبر)

طبیعت تنها  
مغرور و عاصی از خویش  
در خروش بود  
و زمین صفحه ای ننوشته  
انسان زاده شد  
و تاریخ تولد یافت.

☆☆☆

کاخها پی افکندم  
آنگاه که فرعون خدا را از آسمان به زمین میکشید.  
نوشتم رنج خود را بر سنگ  
تازیانه بر پشت  
در معادن گوگرد  
تاریکی را میدیدم  
آنگاه که چشمان خشمناک اسبهار تا کوس آفتاب شد.  
نوشتم رنج خود را بر صلیب.

☆☆☆

از اساطیر آمده ام  
دلآوری انسان نام  
کدشته ام از کوره راه تاریخ  
از سنگ تا فولاد.

☆☆☆

از خاک ما  
فریادم  
آتش  
اکبر کیسر را فریاد کشیدم  
و تاریخ مسیری تازه یافت.  
اینک این منم  
انسان نو  
انسان کارگر  
که در کارخانه هاتاریخ مینویسم  
و حک می‌کشم نام خود را بر هر کالا  
"کارگر"

☆☆☆

رنجی نیست  
که بیگانه باشد از من  
من  
انسان نو  
انسان کوشنده  
تغیید و در کوره زمان

از: ح. کایان





# پیوند میان جنبش کارگری

## و جنبش دانشجویی را عمیقتر سازیم

ویژه‌های برخورد دار است.

به دیگر سخن، دانشجویان آگاه و مبارز نباید یک لحظه نیز فراموش کنند که برای موفقیت در بیکار علیه دستگاه تصویق پلیسی، نیاز به پشتیبانی وسیع از جانب کارگران و زحمتکشان دارند و برای تأمین این پشتیبانی باید خود نقش موثری را بعهده بگیرند، یعنی لازم است نفع هر چه و سیعتری با کارگران برقرار کنند، از خواست های صنفی و اقتصادی آنها اطلاع کافی بدست آورند و از مبارزات اقتصادی و صنفی و سیاسی آنان علاقه‌مندی کنند و برای پیروزی این مبارزات از هیچگونه کمک فکری و عملی دریغ نورزند.

کارگران آگاه و مبارز بجموع جوانان کارگر نیز از جانب خود باید با تمام قوا به یاری دانشجویان بستانند و علاوه بر کسب برای وسعت بخشیدن به مبارزات کارگری از مبارزات دانشجویان پشتیبانی کنند و دستگاه نیرومند خلقی برای جنبش دانشجویی برپا نمایند.

البته هم اکنون نیز پیوند های معینی میان جنبش کارگری و جنبش دانشجویی وجود دارد که نمونه بارز آن در اعتصاب نستله مردم در دانشگاه صنعتی نمایان شد. اما شرایط روز ایران مطلبند که این پیوند و همبستگی به معیاری بسیار بزرگتر و عمیقتر تجلی کند. کافی است که تنها میان کارگران آگاه و دانشجویان مبارز بجوش

خوردگی طبیعی بوجود آمده باشد. این بهم پیوستگی باید بصورت نوده‌ای باشد و طیف کارگر را در انترنست عظیم خود با توده دانشجوی مربوط کند.

این وظیفه به ویژه در برابر تمام نیروهای مترقی ایران، از جمله اعضا، هواداران سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران قرار دارد که تمام امکانات خود را برای تأمین و تعمیق این پیوند و همبستگی بکار گیرند.

مبارزات صنفی و اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان می‌تواند و باید با مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان و روشنگران و روشنفکران هماهنگ شود و مثل یکدیگر کرد. فقط در چنین صورتی است که میتوان پیروزی واقعی و نهائی جنبش همگانی خلق را بر رژیم استبدادکانه تضمین کرد.

در ماههای اخیر مبارزه دانشجویان دانشگاههای ایران برای اعتراض علیه فشارهای پلیسی رژیم، دامنه قابل ملاحظه‌ای یافته است. واکنش به حق دانشجویان در برابر غارت کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و ورزشی و بر هم زدن جلسات با نظم دانشجویی توسط اعمال ساواک، منجر به آن گردید که دولت، به بهانه وجود "بی نظمی" که خود برانگیزاننده آنست، دانشگاهها را علا تعطیل کند. این اعمال غیرقانونی و پلیسی دولت، به حق موجب اعتراض جدیدی را در میان دانشجویان موجب گردید است.

گرچه اینروزها مسائل مربوط به دانشگاهها بیش از سایر مسائل، در جراید ساواک زده ایران منعکس میشود ولی نباید فراموش کرد که مردم ایران نه تنها در دانش گاهها، بلکه در سراسر کشور و در تمام زمینه‌هایی کسبه رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک کنونی، زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی توده‌های زحمتکش را مختل کرده است، به مبارزه برخاسته‌اند. کارگران و دهقانان، کارمندان و آموزگاران و دبیران، پیشه‌وران و اصناف، شاعران و نویسندگان و روشنفکران، هر یک به توبه خود با دستگاه استبدادی حاکم دست به گریبانند.

در چند ماه گذشته بیکارهای زحمتکشان که آخرین نمونه‌های آن بصورت اعتصاب بیکارچه بیش از ۵۰۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند صنایع بنز خاور و کارخان تولید پودر و صابون از کارخانه‌های گروه صنعتی پتروشیر و همچنین مبارزات درخشان کارمندان بانکهای غیر دولتی، تجلی کرد هر روز گسترده‌تر میشود. و بیته وران و اصناف نیز که زیر فشار طاقت فرسای سرمایه‌داران بزرگ و دولت حامی آنها قرار دارند، بصورت‌های مختلف واکنش میکنند. در چنین شرایطی بدون تردید، اگر پیوند و همکاری نزدیکی میان تمام اقشار و گروه‌هایی که در سنگرهای گوناگون با رژیم می‌زنند، بوجود آید، امکانات دستگاه پلیسی شاه برای اعمال فشار محدودتر میگردد و شرایط مساعدتری برای پیروزی مبارزات صنفی و سیاسی هر قشر و گروه فراهم میشود.

در این میان وجود پیوند نزدیکتر و عمیقتر بین مبارزات کارگران و زحمتکشان از یکسو و مبارزات دانشجو جوانان از سوی دیگر، در شرایط روز کشور، از اهمیت

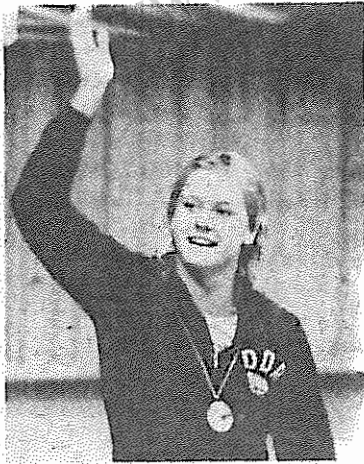
# ورزش - جوانان - سیاست

اخيراً در جمعی، دست‌صدیقی ضمن بحثی دوستانه پیرامون نتایج مسابقات جام جهانی ورزشهای دو میدانی در دوسلدورف (آلمان غربی)، صحبت از "حب‌های طبی سری و ویژه" ای به میان آورد که گویا زیر تأثیر آنها موفقیت‌های چشمگیر ورزشی بدست می‌آید و علم پزشکی آلمان دمکراتیک - خوشبختانه - موفق به اختراع آنها شده است! این دوست از روی صداقت و سادگی ایمن مطلب را به منابه تحسین بیگانه‌ای از علم پزشکی آلمان دمکراتیک مطرح می‌کند - دوست دیگری که به حق متوجه تأثیر غیر مستقیم تبلیغات دروغ‌پردازانه و منحرف‌کننده امپریالیستی بر روی این دوست بود، به سوخی گفت: اگر علت پیروزی ورزشی در حب و قرص پزشکی نهفته می‌باشد، فوراً دهها آزمایشگاه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بسکار می‌افتاد و بلافاصله شیخ قطر و شاه ایران و سلطان سعودی با گشاده دستی صدها قرص می‌خریدند و بسته شماره کنتیهای نفتکش، مدال قهرمانی به سینه عزیزرداندهای خود نصب می‌کردند. مواظب باش، برای بعضیها مهم آنستکه توجه ترا به هر قیمت که شده از بنای سیاسی و اجتماعی، پیشرفت ورزش در کشورهای سوسیالیستی منحرف کنند، حتی به قیمت اعتراف به دستاوردهای علم پزشکی در این کشورها!

آلمان دمکراتیک و سایر کشورهای سوسیالیستی چنان روشن است که توضیح پیرامون آنها زائد بنظر میرسد، ولی خطاست اگر بیاندیشیم که آن تبلیغات بیمارگونه هیچ تأثیری ندارند و باور هوا هستند. نمونه، همان بحثی است که در آغاز از آن یاد کردیم.

با توجه به اینکه ورزش ایران دچار بحرانی زرف است و غیرمستهای درخشان و استعدادهای بسیار جوانان ایرانی، ورزش‌ها از همه لحاظ جندی و جونی به قهقرا رفته و چه بسا به صفر رسیده، و افتخار "ننلسام شاهنسانهی" آن شده که "ولیعهد در مسابقه فوتبال به دروازه بان تیم ملی دو گل زدند"! نگاهی هر چند پرنسب، به برخی غل و شرایط کامیابیهای جوانان کشورهای سوسیالیستی و در این مورد به خصوص جمهوری دمکراتیک آلمان آورنده است.

آلمان دمکراتیک در تقریباً تمام رشته‌های ورزشی، از سنا تا وزنه برداری، ازاد میدانای تاقاقرانی، در همه



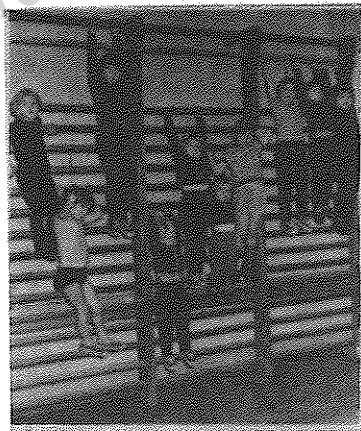
کوزلیاندر، قهرمان شای المپیک مونترال و برندهٔ ۴ مدال طلا (جمهوری دمکراتیک آلمان)

کامیابیهای جوانان آلمان دمکراتیک را در زمینهٔ ورزشی به حق میتوان خیره‌کننده و حیرت‌انگیز نامید. مسابقات اخیر جام جهانی در دوسلدورف، تأیید جدید این واقعیت بود. مسئله اینجاست که در اذهان جوانان ورزش دوست همه کشورها، که پیرامون غل و چگونگی این کامیابیها می‌اندیشند، پیروزیهای ورزشی جوانان آلمان دمکراتیک و سایر کشورهای سوسیالیستی تأثیر عمیقی باقی میگذارد. به همین جهت هم دست‌ساز تبلیغاتی امپریالیستی که در نبرد اندیشه‌های طبقه سوسیالیسم، حتی آنجا که نقطه تاتوانی اوست، هیچ زمینه‌ای را رها نمی‌کند، در اینباره نیز فعالیت تب‌آلودی را برای از راه بدرکردن و منحرف نمودن افکار شروع کرده است.

البته برای بسیاری از جوانان، غل پیروزیهای جوانان

سطوح، از اروپائی تاجهائی، از باشگاهی تا المپیک، کامیابیهای غیر قابل انکار خیره کننده بدست میآورد.

توجه هر ناظری که جویای حقیقت باشد، در نخستین برخورد جدی با ورزش این کشور، به این مسئله جلب میشود که وسایل مادی و فنی و معنوی لازم فراهم شده تا اولاً جوانان در اکثریت عظیم نزدیکی به تعامی خود بتوانند ورزش کنند و هر جوان و بهتر است بگوئیم هر کودک و نوجوان آلمان دمکراتیک، میتواند از بهترین وسایل برای ورزش استفاده کند تا سلامتی خود را حفظ نماید و از نظر جسمی به تعادل و کمال مطلوب و ممکن برسد. ثانیاً، بهترین و شایسته ترین آنها همه شرایط را در اختیار دارند که در میدانهای ورزشی به رقابت سالم برخیزند و چه بسا در دشوارترین روبروئیها چشم به مدالها دوخته و آنها را نصیب خود و کشوری که این وسایل را فراهم ساخته، بنمایند. یعنی از یکسو گسترده تر شدن امکانات برای ورزش توده ها و شرکت کلیه جوانان در فعالیتهای تربیت بدنی آماده است و از سوی دیگر عالیترین شرایط مادی و معنوی و همچنین آخرین دستاوردهای علمی و تربیتی در اختیار بهترین و برجسته ترین ورزشکاران قرار داده میشود تا به ستارگان استثنائی آسمان ورزش بدل گردند.



تربیت جسمی افراد، در کشور های سوسیالیستی (در اینجا آلمان دمکراتیک) از خرد سالی آغاز میشود.

— آیا میدانید که "حق ورزش" در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک آلمان ثبت است؟ و این حق نیز مانند سایر حقوق مردم در کشورهای سوسیالیستی حرف میان تهی و وعده بی پشتوانه نیست. این حق با تمام وسایل و امکانات مادی اش برای همگان تأمین شده است.

— آیا میدانید که هم اکنون علا در آلمان دمکراتیک ۶۰٪ مردم به ورزش فعال میپردازند و این نسبت در هیچ کشوری مانند ندارد؟

— آیا میدانید که ورزش در آلمان دمکراتیک با چنان دستگاهها و آلات لازم مجهز است و از چنان میدانها، سالنها و استخرها و وسایل مالی کافی برخوردار است که به راحتی میتواند مورد غیبه هر کشوری باشد؟

— آیا میدانید که یک نیروی بزرگ انسانی، از مربی و معلم و کارشناسان موسسه تحقیقاتی و کاوشگران علمی، صاحب عالیترین سطح علمی و تخصصی و مهارت، در خدمت ورزش قرار دارند؟

— آیا میدانید همانطور که از اوآن کودکی و نوجوانی، هنگامیکه بهترین استعدادها برای مثلاً ریاضیات یا هنر، زبانشناسی و غیره کشف و پرورده میشود، از همان موقع نیز نوجوانان مستعد برای رسیدن به تله های کامیابیهای ورزشی، با در نظر گرفتن ذوق و تمایلات هر نوجوان و شرایط و خواست خانوادگی او، برگزیده میشوند؟

— آیا میدانید که فعالیتهای ورزشی هر قدر هم جدی و ضرور باشد، هیچگاه و در هیچ موردی مانع فعالیتهای تحصیلی و یا کار ورزشکاران جوان و ترقی آنها در زمینه تولیدی و فرهنگی و اجتماعی نشده، بلکه برعکس آنها را تشویق کرده و به جلو رانده است؟ و تکمیل و هدف آن چنان است که از ورزشکار یک انسان همه جانبه رشد یافته بسازد؟

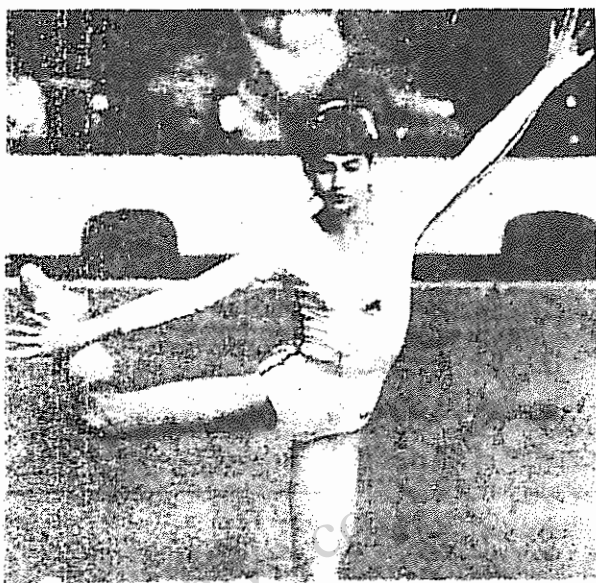
— آیا میدانید که باشگاههای مدارس و کلوبهای کارخانه ها و مؤسسات، نقش رمانی، علمی و فنی مهمی در تشکیلات ورزشی آلمان دمکراتیک ایفا میکنند؟ در کشور سازمان واحد ورزشی (ب.س.ت.د.) وجود دارد.

مدارس اختصاصی ورزش (Sportschule) متعددی ایجاد شده که در کنار آموزش معمولی دبستانی و دبیرستانی و حرفهای و علاوه بر آن به تربیت اختصاصی و تکمیلی ورزشی دانش آموز میپردازند.

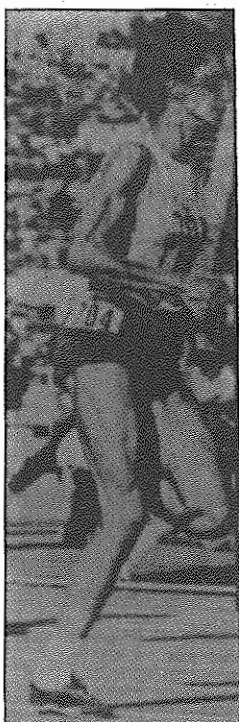
— آیا میدانید که علم پزشکی و رشتههای مختلف آن از راه مطالعه جسم انسانی و اعضای بدن و درک تواناییها و امکانات هر یک و چگونگی تأثیر بر این امکانات بدنی و روانی و نحوه کارآمدتر کردن در هر رشته و چگونگی تمرین در هر مورد و در هر فاصله زمانی و آمادگی ضرور از نظر بدنی و روانی، نقش جدی دارد؟ و البته در آلمان دمکراتیک توجهی متناسب با این اهمیت، به این علم و به رابطه سه گانه "ورزشکار - مربی - پزشک ورزشی"، به رابطه بین ورزش و علم، مبذول میشود. در این زمینه، یعنی شناخت عوامل و عناصر پیشرفت و آمادگی بدنی و روانی ورزشکاران، علم آلمان دمکراتیک در واقع در عالیترین سطح کنونی قرارداد دارد و به همین علت است که در اینجا



نلی کیم ، قهرمان  
زمناسټیک جهان  
( شوروی )



نادیا کومانچی ، قهرمان زمناسټیک جهان ( رومانی )



ایرنا شونیتسکا ، قهرمان دو و ۲۰۰  
و ۴۰۰ متر جهان ( بلغارستان )



نیکولای آندریانوف ، قهرمان زمناسټیک جهان  
( شوروی )

مسئله رابطه مستقیم و سطحی بین عده جمعیت کشور و شماره ورزشکاران نخبه و درجه اول، دیگر نمیتواند به شکل کلاسیک آن مطرح گردد.

آیا همه اینها را میتوان در یک "حساب" متراکم کرد و به صورت قرص دارویی به خورد ورزشکار داد؟



خداقوتوزنزه قهرمان دو... ۸۰۰۰۰ (متر جهان اکبر)

وقتی همه اینها را بدینم، به هنگام رژه عناوین قهرمانی جهانی و اروپایی و المپیک و در برابر تالاری مدالهای طلا و نقره و برنز ورزشکاران این کشور، دچار سرگیجه نخواهیم شد و از برای تحسینی که گاه موجب میشود دهان انسان از حیرت بازماند، در درک علل و زرف این موفقیتها به گمراهی نخواهیم افتاد. فراموش نکنیم که حتی این تشخیص علل نیز یکی از میدانهای همآوردی ایدئولوژیستیک است و در مقابل خرزعلات تیمسار و تبلیغات احمقانه‌ای که در این زمینه شنیده میشود، بیان حقیقت ضرور است. و این حقیقت، به سود سوسیالیسم گواهی میدهد، به سود اجتماعی که برای انسان، برای شکوفایی همه جانبه شخصیت او، بهترین شرایط را فراهم میسازد.

۵۰ هزار نفر به ورزش اشتغال داشتند که اغلب آنها هم البته از فرزندان اشراف و صاحبمنصبان و سرزنندگان بودند اکنون ورزش سازمان یافته و فعال در باشگاهها ۲۵ میلیون را در برمیگیرد. امروز در سوروی ۳۵۰۰ استاد بوم بزرگ (نظیر آنکه در ایران فقط یکی هست) ۱۲ هزار سالن ورزشی، ۱۳۰۰۰ استخر شنا مطابق موازین المپیک و بیش از ۴۰۰ هزار میدان ورزشی مختلف وجود دارد. در اتحاد سوروی ۲۴ انستیتوی ورزشی، ۲۶ مدرسه متوسطه ورزش و تربیت بدنی، ۸۹ دانشگاه ویژه تربیت بدنی و ۷۷ موسسه عالی تربیتی ورزشی (تربیت معلم ورزش و مربی و متخصص امور ورزشی) وجود دارد.

اگر بتوان همه اینها را در یک "حساب اعجازگر"، گرد آورد، آنوقت میتوان به سخن آن دوست صادق و ساده بازگشت و معجزه را در استقرار جامعه سوسیالیستی رها از ستم و بهره‌کشی، جامعه نساوی و شکوفایی استعدادها دید و آن نظام اجتماعی را تحسین گفت که برای جوانان چنین شرایطی را فراهم میازد.

هیرواسی با سلسله مراتب کمین ورزشی در جهان، از سال ۱۹۵۲، هنگامیکه برای اولین بار اتحاد شوروی و برخی کشورهای سوسیالیستی دیگر گام به میدانهای ورزشی المپیک نهادند، به معنای واقعی کلمه از هم فروپاشید. در آن هنگام صحبت از "معجزه سوروی" شد. از سال ۱۹۶۹ ورزشکاران آلمان دمکراتیک توانستند مستقلاً در میدانهای ورزشی به زورآرمانی بپردازند. (مسابقات دو میدانی اروپا در آن) و این شروع "معجزه آلمان دمکراتیک" بود. حالا یکی دو سال است که در رشته‌های مختلف، از دو میدانی گرفته تا وزنه برداری (همین اسمال در دو سلدورف، در سوئیه و در اشتونگارت) "گویا" دارد می‌رود تا چشمها را خیره کند و کم‌کم زمزمه "معجزه ورزشی گویا" بر سر زبانها افتاده است.

اما تنها اینها نیستند. مسئله بر سر همه کشورهای سوسیالیستی است. کشور کوچک هشت میلیونی بلغارستان سوسیالیستی، که زمانی از عقب افتادترین کشورهای اروپای شرقی بود، در المپیک مونیخ مقام هشتم، در المپیاد مونترال مقام هفتم، در اوئینورسیاد (مسابقات جهانی دانشجویی) ۱۵ سال مقام سوم را در میان کلیس کشورهای جهان بدست آورد.

مگر میتوان رابطه علی میان این بدیده‌ها را نادیده گرفت و بر ریشه "معجزه" دیده فروبیست؟

با چند رقم، از اتحاد شوروی، نخستین کشور سوسیالیستی جهان یاد کنیم. تا قبل از انقلاب کبیر اکتبر، در کلیه باشگاهها و مؤسسات ورزشی سراسر روسیه،

تا سالهای پنجاه این قرن، میدانهای ورزشی و سکویهای افتخار در انحصار چند کشور ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان، در انحصار قشر کوچکی از جوانان این کشورها، اکثراً متعلق به طبقات ثروتمند و صاحب مال و یا اشرافی و صاحبمنصب بود، که میتوانستند به ورزش بپردازند. اشرافیت مال و جاه و نسب و سرمایه، مالک ورزش نیز بود.

بیدایش نخبگان ورزشی را به نحوی ساده و یکسویه مطرح کنیم و مسئله ای را که دارای جوانب مختلف شخصی (فردی)، احساسی، ارادی و همچنین مالی و فنی است به شکلی سطحی و پیش‌پا افتاده توضیح دهیم، همانطور که واقعیات بر شمرده نشان می‌دهد، باید قبول کنیم که ورزش را با سیاست نیز کاری و رابطه‌ای هست. رابطه‌ای که به ویژه در پیوند بین نظام اجتماعی سوسیالیستی و امکان ورزش برای همگان و بروز هر استعداد نخبه‌ای آشکار است.

ن. پادامن

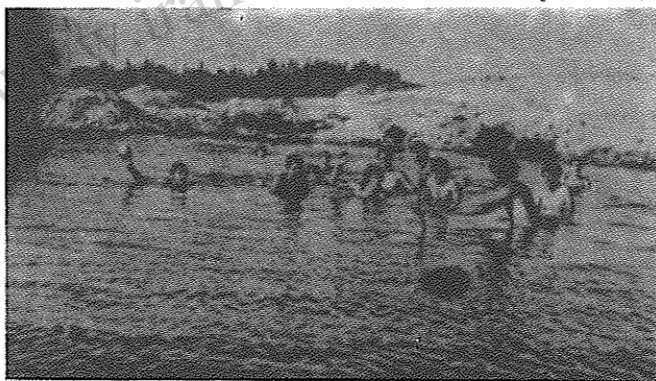
بی‌آمدهای اکتیر کبیر، سطح آرام این آب را کدرا نیز به شدت متقلب کرد. چیزی نگذشت که ورزش تود هما به واقعیتی بدل شد و سین انسانهایی دیگر از نظام اجتماعی دیگر، از طبقاتی دیگر، در استاد یومها بر سکوهای افتخار گام نهادند. و اکنون هر چه بیشتر و بیشتر، در این میدانها، پرچمهای منقش به داس و چکش، به ستاره سرخ، به علام کار و صلح و دانش به اهتزاز در می‌آید و سرودهایی که در آنها از قدرت تودها و از نظامی نو سخن می‌رود، طنین افکن می‌شود. آری، بدون آنکه بخواهیم پدیده بفرسج



## تیم واترپلوی ایران در المپیک ۱۹۸۰

شاعر می فرماید: دست چو نرسید به استخر - دریاب آب لمن آلود  
گودال های رودخانه روند را! تنها ناراحتی بچه های واترپلوی های  
سرپل ذهاب این است که روند تیر دروازه استخر مسابقات میخشد  
گودال مسابقات - را که دو جوب نا قابل است گاهی کش میروند و  
کار تیم ایلیکی سرپل ذهاب را نیمه کاره می گذارند!  
عکس صفحه ای از تمرینات تیم واترپلوی سرپل ذهاب است که  
هفته روزه ساعت چند ساعت در استخر انجام می شود

افراد تیم واترپلوی سرپل ذهاب دورکی از گودال های رودخانه  
الوند با تمرینات مداوم خود را برای المپیک ۱۹۸۰ آماده می کنند!  
دربازدیدی که از تمرین اعضای تیم واترپلوی سرپل ذهاب چهل اند  
آنها درحالیکه تا کمر در لمن فرو رفته بودند به سئوالات خبرنگار ما  
پاسخهای آهکی دادند و گفتند ما از اینکه استخری نداریم تا توان  
تمرین کنیم هیچگونه ناراحتی نداریم چون از قدیمی ها شنیده ایم که  
لمن این رودخانه برای رفع سردرد شفا بخش است. اینجاست که



دنیای ورزش سال عفتم شماره ۳۰۹ شهریورماه ۱۳۵۵



۶۰۰ هزار تریاکی

۳۰۰ هزار هروئینی

۵۰۰ هزار حشیشی ...

## با این «سپاه»، محمد رضا شاه به فتح دروازه‌های کدام «تمدن بزرگ» برخاسته است؟

روزنامه های ایران باز از "گرسر هولناک معتادان به مواد مخدر در شراب کسور" اظهار "نترانی" میکنند. به دنبال انتشار گزارش رسمی کمیته مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد که از ایران (در آسیا) در کنار چین، تا بلند، هونگ کونگ و ترکیه به عنوان کشور عمده "تولید کننده" صادرکننده و مصرف کننده مواد مخدر نام برده است، دولت ایران، بدون انتشار این گزارش، برای تیره خود، دست به عوامفریبی تازه‌ای زده است.

بعد از از هم پاشیدن "گروه ضربتی مبارزه با اعتیاد" دولت هوسدا، که گش وزیر را نیز با طبل و شیور به این میدان کشانده بود، دولت جدید با تبدیل جنس "سمتار و سمپوزیم" به جنگ اعتیاد "برخاسته" است.

تزارش ویژه کمیته مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد که خبرگزاری آسوتیند پارس، روز ۱۸ اکتبر ۱۹۷۷، قسمتهای مهمی از آنرا انتشار داد، حاکی است:

"در ایران هر سال بین ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ تن تریاک تولید میشود، که بیش از نصف آن به هروئین تبدیل میگردد."

روزنامه های ایران تعداد ایرانیان معتاد به تریاک، هروئین، حشیش، مرفین، کوئائین و دیگر مواد مخدر را بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده است. همینکه مذکور تأکید میکنند:

"این رقم ۲۰ درصد بیشتر از تعداد کسانی است که در سال ۱۹۷۰ در ایران بنام معتاد وجود داشته اند."

روزنامه های دیراری ایران تعداد ۱ / ۵۰۰ / ۰۰۰ معتاد را کم و بیش قبول دارند، ولی رقم تولید ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ تن تریاک را "اغراق آمیز" میخوانند. در حالیکه با توجه به تعداد معتادان و مصرف روزانه آنها، میزان فروش رسمی تریاک به خارج از کشور و ارقامی که هر سال دولت خود در باره کشف مواد مخدر اعلام میکند، همراه با "میزان هولناکی تریاک و هروئین"، که سناتور صالح معتقد است "غیر رسمی" تولید و مصرف میشود، این رقم نه تنها اغراق آمیز بنظر نمیرسد، بلکه کمتر از واقع اعلام شده است.

"پیغام امروز" مینویسد:

سال از آن استفاده میکنند. دو ماه پیش روزنامه‌ها ناگهان از کشف ۲۰ هزار کارت فاجاق دریافت سهم تریاک خبر دادند که شخصی بنام "مهدی بلیغ" از آن استفاده میکرد است.

هم اکنون در سراسر کشور بازار خرید و فروش تریاک، هروئین، حشیش، مرفین و کوکائین بندتگم است.

کیهان ۷ مرداد ۱۳۵۶ مینویسد:

"این مواد را در مدارس، در دانشگاهها، در ادارات، در بازار، در فوج و خیابانها بدون هراس از پلیس، به هر میزان به آسانی میتوان بدست آورد. در هفتلیها، میعادگاهها، بارها و رستورانهای شمال شهر تهران، اعیان و اشراف مواد کاملتر و گران تری مصرف میکنند. تنها ثانی است سما به یکی از متصدیان این مراکز اشاره کنید، هر قدر که بخواهید ال-ام-دی، دی-ای - تی، دی، - ام - بی، مسکالین، پاراهنسیل، ماری جوانا، هروئین، کوکائین و موادی از این قبیل در بسته بندیهای کوچک و بزرگ در اختیار شما قرار میدهد."

دولت ایران برای مخفی داشتن شرکت خود در امر تولید و خرید و فروش تریاک، موزیانه خوشتن را از خبریانات پست برده، بی اطلاع نشان میدهد، ولی سریه ایتالیائی "نمو" با افشای باندهای بین المللی که سیسل را به بازار جهانی هروئین تبدیل کرده اند، دولت ایران را نه تنها آگاه از تمام "جریانات پست برده" میداند، بلکه رژیم محمد رضاشاه را به عنوان رژی پیید، که در پی بول، زهره کلام میلیونها مردم دنیا میریزد و با باندهای بین المللی فاجاق مواد مخدر هم تری نزدیک دارد، محکوم میکند. این سریه همراه با درج گزارش کامل کمیته مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، مینویسد:

"برخلاف هارت و پورت مقاماتی که ادعا میکنند با استعمال، خرید و فروش مواد مخدر مبارزه میکنند، میزان مصرف این مواد نه تنها کم نمیشود، بلکه روز بروز افزایش مییابد."

پیغام امروز اضافه میکند:

"پنجسال پیش رقم رسمی معتادان نیم میلیون نفر بود، امروز به ۸۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است. غیر از اینها، ۲۰۰ - ۳۰۰ هزار نفر هم غیر قانونی تریاک میکشند و هروئین مصرف میکنند."

"خواند تریاک معتقد است:

"امروز در بیشتر خانه های اعیان و اشراف بساط تریاک کنی دائر است و ابتکار نه فقط قبح خود را از دست داده است، بلکه یک نوع تشخیص محسوب میشود."

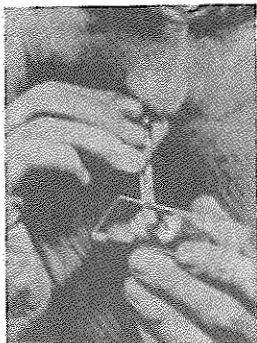
"جوانان رستخیز" این اعتراف را تکمیل میکند:

"بزمهای رخوت آور تریاک، با ترتیب سنتی - فرنگی، خیلی نیک، هر شب در بسیاری از خانه های اعیان برگزار میشود. دود تریاک، که از میان حقه ها و وانورها و منقل های مینیاتور تنوره میکشد، فضای سهر و بیلاقی های اطراف تهران را پر کرده است."

این منظره سهری است که تا سه سال پیش وقتی سناه برای رونق کار فاجاقچیان عمده تریاک، دسته دسته فاجاقچیان حردده با وی کس و کار را جلوی حوضه اعصاب قرار میداد، دستگاهاهی تبلیغاتی اش ادعا میکردند:

"در آینده نزدیک حتی یک تریاکچی در سراسر ایران پیدا نخواهد شد" (اطلاعات، ۲۰ خرداد ۱۳۵۳)

هم اکنون بنا بر نوشته روزنامه های دولتی ایران، هر روز ۱۸۰ هزار تریاکچی رسمی، با کارت وزارت بهداشتی بین ۳ تا ۵ گرم تریاک میکشند. علاوه بر این، دهها هزار "کارت فاجاق" وجود دارد که جوانان بین ۱۸ تا ۳۰





"دولت ایران نه فقط خود ۲۰ هزار هکتار از اراضی کشور را به کشت پر سود تریاک اختصاص داده است، بلکه در نواحی مشهد، کرگان، کرمان، بیرجند، آباد، جهرم، ممسنی، نیریز، بافت، بم، سیرجان، زابل و چابهار، دهها هزار دهقان را به کشت و تولید تریاک واداشته است." دولت ایران هر دو کیلوگرم شیره خشخاش را به قیمت ۵ دلار از دهقانان میخرد. این شیره پس از تبدیل شدن به تریاک خام تا کیلوئی ۵۰ دلار خرید و فروش میشود. تریاک های به دست آمده، نیمی رسمی و نیم دیگر "غیر رسمی"، ولی با اطلاع کامل دولت ایران، به کارگاههای تهران، مشهد، بیرجند و نیریز حمل میشود. در ایسن مراکز قسمت بیشتر تریاک را به مرغین تبدیل میکنند. این مرغین هر کیلو تا ۱۵۰۰ دلار قیمت پیدا میکند. از اینجمله مرغین را با کشتی و هواپیما در صندوقها و چمدانهای "دیپلماتیک" به ایتالیا، فرانسه، آلمان باختری و قسمتی به آمریکا میفرستند. دریافت کنندگان این کالا فوراً آنرا به هروئین ۹۸ درصد تبدیل میکنند. در این وقت قیمت عده فروشی این زهر کشنده هر کیلو تا ۳۰ هزار دلار بالا میرود. بعد نوبت بسته بندی آن به واحدهای بسیار کوچک میرسد. منبع اصلی سود اینجاست. مصرف کننده، این گرد سفید را که با بسیاری مواد ناخالص دیگر مخلوط شده است، به ناچار هر کیلو بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار دلار میخرد."

(تعبیه، میلانو، ۲۶ اکتبر ۱۹۷۷)

در بی این سود سرشار است که هم اکنون اکثر اعضای خاندان پهلوی به کشت تریاک و خرید و فروش هروئین و کوکائین پرداخت میکنند. خوانندگان ما بیگمان اطلاع دارند که تا سال ۱۳۳۴ کشت خشخاش در ایران آزاد بود. تا آن وقت دولت ایران هر سال از راه فروش تریاک به خارج از کشور ۲ میلیون دلار سود میبرد. در سال ۱۳۳۴ دربار پهلوی با منع کشت خشخاش، تمام پروسه تولید و فروش تریاک را خود در دست گرفت. با منع کشت خشخاش و خرید و فروش آزاد آن، بازار این کالا رونق یافت. قیمت آن به شدت بالا رفت و سیل پول به سوی دربار سرازیر شد. دو سال بعد از منع کشت خشخاش روشن شد که نه تنها اشرف پهلوی سرکردگی قاچاقچیان عده تریاک و هروئین را بعهده گرفته است، بلکه بسیاری از شاهپورها در املاک شخصی خود، در پناه سر نیزه زاندارم ها و نگهبانان مسلح، تریاک میکارند. در تیرماه سال ۱۳۴۸، دربار پهلوی با اطلاع از افزایش روزافزون قیمت تریاک و هروئین در بازارهای جهانی و دشواریهای آن که در سر راه پنهان نگاهداشتن تجارت این کالا بوجود آمده بود، در پی کسب سودی به مراتب بیشتر، همراه با "تصویب قانون مجازات قاچاقچیان تریاک"، کشت مجدد آنرا برای خود (دولت) آزاد گذاشت. از سال ۱۳۴۸ تا

سال ۱۳۵۵ رژیم محمد رضا شاه در همان حال که بازار خرید و فروش تریاک را گسترش میداد، و گرد کشنده هروئین را هر چه بیشتر به میان جوانان میبرد، برای هموار ساختن راه قاچاقچیان عده مواد مخدر، بیش از ۲۰۰ قاچاقچی خرده پا را به جویه اعدام بست.

بازرسی تصادفی چمدانهای اشرف پهلوی در ۱۷ نوامبر ۱۹۶۱، در فرودگاه "کوینترین" ژنو و کشف کیسههای بزرگ هروئین، کشف مقداری تریاک در چمدانهای هوشنگ دولورئیس دفتر مخصوص شاه، در ژانویه سال ۱۹۷۴، در راه حرکت به سوی سن موریشس (سوئیس)، کشف ۳۰ کیلو هروئین خالص در یک کشتی انگلیسی در آبهای مدیترانه توسط پلیس فرانسه که بعد معلوم شد متعلق به محمود رضا برادر ناتنی شاه است و اعتراف کامل "آندره هریج" قاچاقچی معروف بین العلی مواد مخدر، در باره کمکهای مشخص دربار پهلوی و سفارتخانههای ایران در حمل و فروش هروئین و تریاک به کشورهای مختلف جهان. همکار شرکت وسیع دربار پهلوی و بیشتر گردانندگان رژیم در این "تجارت مرگ" حکایت میکنند.

مجله آمریکایی "ساگا" در شماره نوامبر ۱۹۷۳ خود مینویسد:

"بعضی از قایل و نزدیکان شاه نه تنها معتاد به تریاک و مصرف هروئین هستند، بلکه تاجران بزرگ جهانی این مواد مرگ آورند. خواهر شاه، شاهزاده اشرف، و سایر بستگان به استفاده از مواد مخدر و خرید و فروش عده آن شهرت دارند. خود شاه و دولت ایران از این امر کاملاً اطلاع دارند. از میلیاردها دلار سود جهانی تجارت مواد مخدر، دربار ایران هر سال قسمت مهمی را به خود اختصاص میدهد. اعضای خاندان پهلوی نه فقط تولید کننده عده و فروشنده عده تریاک اند، بلکه در کار قاچاق بین العلی آن با بزرگترین باند های خطرناک جهانی همکاری دارند. خانواده پهلوی و سیارک از مقامات برجسته دولتی ایران، از ایمنی دیپلماتیک،



بصود حمل و فروش قاچاق مواد مخدر استفاده میکنند و از این راه پول برتاری بدست میآورند.

این است علت اصلی افزایش روزافزون معتادان، کسه گزارش رسمی کمیته مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، بدرستی دولت‌های نظیر ایران را مسئول واقععی آن خوانده است.

محال است عوام فریبیهای دولت و دربار و جنک زرگری آنها با "قاچاقچیان مواد مخدر" بتواند افکار عمومی را از توجه به این واقعیت باز دارد.

دربار پهلوی عامل عمده بخش تریاک و هروئین در ایران و بخش مهمی از جبهان است. این زهری کسه

سیل آسا به کام مردم فرو میریزد، از دربار پهلوی سرچشمه میگردد. این کدام ایرانی است که نمیخواهد این سرچشمه سرگ خستک شود؟ این کدام بشر دوستی است که نمیخواهد این دستی که داس مرگ برداشته است، و هر روز خسرمنی از جوانی، تلاش و کوشش انسانی را درو میکند، قطع شود؟ ما در همان حال که مردم ایران را از خطری که نسل جوان این مملکت را تهدید میکند، آگاه میسازیم، سرچشمه این خطر را نیز نشان میدهیم. ما همه مردم ایران، همه جوانان کشور، همه مردم جهان را به مبارزه با عامل این خطر، دربار خائن پهلوی، فاسرا میخوانیم.

نمود



## حق با مقامات فرانسوی است!

ولی دیشتر از نارکدسه، همه میدانند کسه هیچ منبعی مطلعتر از خود مقامات دولتی فرانسه نه کسار دیشتر هم والا حضرت را بعلت قاچاق دستگیر کرده بودند. وجود ندارند. آنها هم بدرستی جناب کمیسر "گرکو" مخصوصه مد فاحساق را مسئول تعقیب جریانات کرده اند.

با همه رنگبها، گاهی اوقات مطلب از دست "مقامات مربوطه" در میروند و ماجراتی است میسود. از این فرار است مسئله علت ترور والا حضرت. اسرف" قل دوم" اعلیحضرت محمد رضا.

خوانندگان آرمان اطلاع دارند که اسرف خانم، وقتی ساعت ۲ بعد از نیمه شب از "نار" به ویلای خود در ساحل فرانسه برمیگشت، مورد حمله چند نفر مرد مسلح قرار گرفت. در باره عمل ماجرا روزنامههای درباری و سانسور زده ایران فلم فرسائی بسیار کردند ولی کویا مقامات فرانسوی از ماجرا بیشتر اطلاع دارند. و فی دفت به نوشته کیهان هوانی مورخ ۶ مهر ۱۳۵۶ برده از این راز برمیآرد. کیهان ضمن اینکه نوشت "دولت فرانسه کمیسر "گرکو" کار آگاه رهبر را مسئول تعقیب مردان مسلحی کرد که به ماسین رولز روئیس والا حضرت حمله کردند." چنین ادامه میدهد.

کیهان هوانی چهار شنبه ۶ مهر ۲۵۳۶-



این کمیسر در اوائل دهه ۷۰ در سرگویی شبکه قاچاق "ارتباط فرانسوی" نقش عمده ای داشت. پلیس فرانسه سرگرم تحقیق درباره انگیزه حمله به انومیل رولز روئیس والا حضرت اشرف است.

حکومت فرانسه کمیسر "گرکو" کارگاه رهبر و معاون فرمانده جوخه جنایت منقلقه مارس را مسئول تعقیب مردان مسلحی کرد که به والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی حمله کردند.

اشرف در شب حادثه:

مست و پیاله بدست.

باینکه مقاله نویس کیهان باز سعی در رد گیم کردن نموده و مینویسد "علیرغم فقدان هرگونه مدرکی درباره این حمله منابع مطلع عقیده دارند تروریسم متحمل این انگیزه بوده است."



## نامه يك کارگر

دنیال فرصت است که مرا تنها گیر بیاورد . میآید ، سوزان و برنتاب میگوید " پسرم ، مگر از جانت گذشته‌ای؟ مگر میخوای بدتر از این ما را بد بخت و سیاه روز بکنی؟ - چرا باز از این چیزها همراه آورد های؟ بده به من تا بزم ببندازم نوی اجاق! تو خودت میدانی که ساواکیها هر روز و هر شب به خانه‌ای میریزند و اگر ورقه‌ای و پسا کتابی پیدا کنند ، خس میکنند ، همه را میریزند . پسرم ، به من رحم کن ، من طاقت ندارم . . . " و همینجوری زار میزند .

دیدن اشک او برای من خیلی خیلی سخت است و همیشه در برابر اشک او تسلیم میشوم ، اما در باره کتاب نه . به هر شکلی شده ، او را روانه میکنم و قول میدهم که " همین فردا کتاب را پس بدم . "

تا حالا کم ندیده که بتوانم کتابی را در خانه پنهان کنم . او همه جا را زیر و رو میکند ، میگردد ، و وای " اگر کتاب را پیدا کند " مگر اینکه پیش از وقت آنرا به دست خواهرم سپرده باشم . از عهده این یکی هیچکس برنمیآید .

این بچه چهارده ساله آن چنان قدرتی دارد که همه ارزش حساب میبرند . چادر را به دور گردن پیچیده ، به همه میرسد ، رختشویی میکند ، میپزد ، بیرون میسرود ، خرید میکند ، هرکاری که از دستش برآید میکند و طفلکسی بیشتر از حقش هم نثار میکند . تنها کتاب را نمیتوان از او گرفت و در اینباره جنگ و دندان نشان میدهد ، ساعاتی که این دختر آرام میگیرد ، ساعاتی است که کتاب میخواند . اگر چیزی را نفهمد ، میپرسد . این دختر در خانه تکمگاه

دلم میخواهد اسم کتاب را بزرگ بزرگ بنویسم ، دلم میخواهد در همه جا آنرا بیابم . شمد که میخوانم به امید آن هستم و روز که برپا هستم در جستجوی آن . کتاب برای ما خیلی معنی دارد . حدث محرومیت ، آرزو ، امید ، عشق و ولع ، ترس و نگرانی . کتاب گیرمانمیآید ، باید دیر در دنیالش بدم ، خواهش و التماس کنیم ، روزها آرزویش را بنسیم و هفته‌ها در امیدش زندگی کنیم . وقتی گیرمان میآید همچون جان روی دلمان میگذاریم ، فایتمیشیم . آرزو شاد و شاید در عالم خیال بشکن زمان و زودتر از همیشه به خانه میرویم .

من اگر با این حال به خانه بروم ، خواهرم دوان به سرانم میآید ، چشمانش برق میزند ، و با دنیالیا حسرت فاضی باشادی میپرسد " کتاب داری؟ "

اگر داشته باشم که همه خوش هستیم ، برادر کوچکم میآید ، برای او هم بلند میخوانم . گوش میدهد ، سراپا گوش میشود و این بچه پرخوش و خروش میتواند ساعتها بنشیند و گوش بدهد و بخسندد . خواهرم ، دلش میخواهد خودش بخواند . میگوید " لذتش بیشتر است . " حق هم دارد .

وای اگر پس از چند هفته باز دست خالی برگردم . خواهرم پژمرده ، اخمهایش را درهم میکشد و میگوید " توهم شدی برادر ، پس کو کتاب؟ "

اما چون او میداند که تاجه اندازه برای من بدست آوردن کتاب سخت است ، زود آرام میگیرد و به مشکلی کوششی میکند که از دلم در بیاورد .

مادرم اگر کتاب در دست من ببیند ، رنگش میپسرد ، بیتاب و نگران میشود ، چشمهایش دائماً پراز اشک است ،

من است.

خیال نکنید که تنها او چنین است. اکثریت بچه‌های "دروازه غار" همین دلباختگی را به کتاب دارند. "چند روز پیش برادر کوچکم که به خانه آمد، دو بچه را همسراه آورده بود. لباسهای وصله دار به تن، دو تکه چرم که با بند به مچ پا بسته شده بود. به جای کفش، صورتها از سرماسرخ، هر دو طفلکها میلرزیدند. برادرم میگفت: " اینها منتظر مادرشون بودند و خودشون هم از مدرسه آمده بودند. آوردمشون که کمی گرم شوند."

خانه ماکوچک است و ما خود چیزی نداریم، اما خوشبختانه درش باز است. با بچه‌ها صحبت کردم. از کتاب گفتم. چشمهایشان برق زد، کتابی که در خورشان بود و در خانه داشتم به آنها دادم.

تصور کنید که این دو بچه با چه تشکری مرا نگاه میکردند. کتاب را بردند و خواندند و پس از دو روز آوردند و پرسیدند که " آیا باز کتاب برای آنها دارم؟ " آن روز نداشتم، اما بهشان قول دادم که برایشان شبیه کنم.

بچه‌های "دروازه غار" تفریحی غیر از توکوجه بازی کردن، میان گل و لای، تو خاک و خیل، ندارند. بدترین فحشها را از همان کوچکی یاد گرفته‌اند. تعجب نکنید اگر یک بچه سه چهارساله نحیف و لاغر، زرد و بی جان، پست و تن برهنه، ناگهان به دختر جوانی که میگردد، منلکی بگوید، مثلا قربان صدقه‌اش برود و بیاسی نیشکی ببندد. اما اگر اینها بتوانند بخوانند، تمام زندگیشان کتاب میشود.

بچه‌های زیادی از "دروازه غار" مینویسند. بله، داستان مینویسند، آنچه که آرزو میکنند و یا تصور میکنند به قلم می‌آورند و گاه این داستانها تئان دهند. هستند، از "آزادی و خوشی" میگویند از "مبارزه و پیروزی" مینویسند. طفلکها!

راستی با ایشمه صحبت میخواستم در واقع پینرآمدی را که امروز کرده، بگویم. در کارخانه‌ای که کار میکنم عده زیادی نارگر هستند.

جوان و پیر، آدم که نمیتواند دروضی که امروز داریم با یک یکشان حرف بزند و خیلی چیزها را روشن کند. من هروقت کتابی دستم بیاید، یواشکی به یکی از آنها میدهم و میگویم "بخوان، کتاب خوبی است."

بیشتر این کارگران به همت خود خواندن و نوشتن را آموخته‌اند. شش ماه پیش کتاب "چگونه فولاد آید" شد. به دستم افتاد. از خواندن آن سرمست بودم. روزها دردم شادی موج میزد که با انسانی چنین باشم متأسفانه شد. ام. فکر میکردم که مبارزه‌ام آسان تر شده است. در خود ترس و واهمه‌ای احساس نمی‌کردم. پس از چند روز دل از کتاب گندم و آنرا با خود به کارخانه بردم، به کارگر جوانی دادم و گفتم " اینرا بگیر و بخوان و یادت نرسه که پس بیاری."

چندین ماه گذشت و منم دیگر به روی خود نغیوردم و کتاب را از او مطالبه نمی‌کردم. شاید او هم فکر میکرد که یادم رفته است.

امروز که سوار اتوبوس میشدم کارگر جوانی که تازه به کارخانه آمده است، پهلوی من نشست. اتوبوس راه افتاد. دیدم اطرافش را نگاه کرد. با احتیاط دست کرد نسوی جیبش و کتابی را درآورد که همه ورقهایش از هم جدا شده بودند. شاید چند بار آنها را جیبانده بودند. لای کاغذ پیچیده بود به من داد و گفتم " اینرا بگیر و بخوان تا بعهمی که آدم یعنی چه."

به ایستگاه رسیده بودم. او پیاده شد. نگاهی به کتاب انداختم، دیدم "چگونه فولاد آید" شد. "تشر" خود من است که دست دهبهاو شاید صدها گذشته و امروز پس از ۶ ماه دوباره به دست خودم رسیده است.

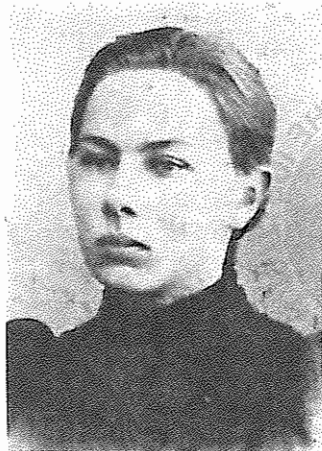
چه بگویم؟ امروز اگر چه کتابی تازه نداشتم، وقتی به خانه رسیدم آنقدر خوش بودم که خواهرم دید و پرسید "کتاب داری؟" و ما درم لیزان آمد و گفتم "بده بیروم و بسوزانم." گفتم نه، مرا بگردید، زیرا کتاب را درجیب کار دیگری گذاشته بودم و زمره کرده بودم.

"بخوان تا بعهمی که آدم یعنی چه!"



## مردم ایران در راه

سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!



## کروپسکایا،

# قهرمان اکتبر سرخ

اولیل فرن جدید در لنینیزم، جانشین روزنامه‌ی «ایسکرا» (اخگر) منتشر می‌شد، به عنوان منشی لنین به فعالیت سیاسی خود ادامه داد.

کروپسکایا در تدارک و به انجام رساندن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ سپه به سران داشت. زمانیکه لنین ناچار بود برخلاف میلش به زندگی مخفی تن در دهد، زن شجاع او مهمترین رابط بین او و حزب بود و از طریق رساندن دستورات لنین به حزب و اخبار حزب به لنین، او را مرتباً در جریان وقایع می‌گذاشت.

هنگام وقوع انقلاب، کروپسکایا در کمیته بخش حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه (بلشویک) در ویبورگ بخشی از پترود را مشغول فعالیت شد و پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر و خود را با تمام نیرو در خدمت خلق برای تعلیم و تربیت سوسیالیستی گذاشت.

در سال ۱۹۲۰ ریاست کمیته مرکزی برای تعلیمات سیاسی در کمیساریای خلق برای آموزش همگانی جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه به او واگذار شد و در سال ۱۹۲۹ به معاونت این کمیساریا رسید. از سال ۱۹۲۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) درآمد و عضو پرزیدیم شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد.

این زن خارق العاده و شگفت انگیز که در طوسی جریان انقلاب سوسیالیستی فرم گرفت و افتخار زندگی و همسری مردی را به خود اختصاص داد که ضل جدیدی در تاریخ جهان گشوده است، آثار کثیر و قابل توجهی در باره شیوه تعلیم و تربیت کودک از قبل از شروع دبستان تا دوره رشد، و تعلیم بزرگسالان به یادگار گذاشته است. تئوریهای علمی او در مبحث تعلیم و تربیت امروز نیز گنجی تمام نشدنی برای آموزش پیشرفته در جوامع نوین سوسیالیستی، جوامعی که تئوریهای علمی او پرورش و تکامل میابند، میباشند.

زن، در هیچک از جوامع، از جامعه اولیه گرفته تا جامعه فئودالی و بورژوازی، مقام و منزلتی را که اکنون در جوامع سوسیالیستی دارد، نداشته است.

لنین، طرفدار پیگیر حقوق زن، تنها به ندوین دستوراتی برای حمایت از زن، سهم‌روی کاغذی - همچون قانونگذاران سرمایه‌داری و بورژوازی - بسنده نکرد، بلکه با تمام قوا عملاً برای رهایی زن از بند سنتهای فرارادای مذهبی، و آزادی واقعی از طریق شرکت دادن او در تولید و اشتغال اجتماعی کوشید.

نگاهی به زندگی هم‌زم و هم‌رلین، واقعیت وضع زن و مقام والای او را در کشور سوراها نشان می‌دهد. نقش نادر او در آکستانتینوا کروپسکایا که به حفظ و استقرار صلح به عنوان ابتدائی‌ترین و طبیعی‌ترین آرمان و خواست هر مادر و زنی ایمان داشت، در انقلاب سوسیالیستی، غیر قابل انکار است. او که از رنج میلیونها زن مایوس و زجر کشیده در زندانهای تزار آگاه بود، تصمیم قلمعی به شرکت در مبارزه در وشن نیروهای انقلابی گرفت. نادر او کروپسکایا در سال ۱۸۶۹ در سن پترزبورگ متولد شد. در نیه سالهای ۱۸۹۰ به "اتحادیه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" که از طرف لنین بنیاد و تأسیس شده بود، پیوست و در سال ۱۸۹۸ به عضویت حزب سوسیال - دموکرات کارگری روسیه درآمد.

علاقه و استعداد ذاتی او برای تعلیم و تربیت، او را قبل از هر چیز به خدمت تدیس آثار مارکس و انگلس حوزه‌های کارگری در آورد و نادر او به خاطر این کار انقلابی در سال ۱۸۹۶ اسیر زندان تزار شد. یکسال بعد حکم محکومیت او دایره سه سال تبعید در سیبری به دست داده شد.

کروپسکایا این مدت تبعید را در کنار لنین در دهکده شوشنسکویه در سیبری به سر برد و همانجا یسا لنین ازدواج کرد.



## ادیسی در دوازدهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

"دبیرخانه" (اتحادیه بین‌المللی دانشجویان)  
پیوسته همبستگی عمیق خود را با یکبار مردم و  
دانشجویان ایران علیه اختناق و برای آزادی  
های دمکراتیک اعلام داشته است.

نماینده "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" در سخنرانی خود در مجمع عمومی پس از اشاره به سنن ولای همکاری سازنده و همبستگی عمیق دانشجویان ایران با "ا.ب.د"، "آمادگی" ادیسی را برای گسترش روابط میان دو سازمان اعلام داشت. او به تفصیل از جوانب گوناگون رژیم ترور و اختناق، به ویژه مسئله زندانیان سیاسی در ایران، سخن گفت و شرکت‌کنندگان کنگره را فرا خواند تا آزادی فوری و بلاشرط صفر قهرمانی و هزاران زندانی سیاسی دیگر کشور ما را خواستار شوند.

نماینده "ادیسی"، پس از تشریح پیکارهای اخیر دانشجویان ایران، خاطر نشان ساخت که دانش جوان کشور ما همواره در صف مقدم جنبش مترقی و دمکراتیک ایران و دوشادوش کارگران، دهقانان و روشنفکران پیشرفتجوی کشور ما علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه بهروری خلقهای کشور ما رزمیدند. وی گفت:

"ادیسی" برآنستکه استبداد سلطنتی شاه، سدی عمده در راه پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران است. سازمان ما، هم‌اکنون با دیگر نیروهای مترقی ایران، در راه تشکیل یک جبهه ضد دیکتاتوری به منظور سرنگونی رژیم ترور و اختناق شاه و استقرار حکومتی ملی، مترقی و دمکراتیک پیکار میکند.

ده ماه پیش از برگزاری یازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، تدارک این رویداد بزرگ نیست

دوازدهمین کنگره "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در روزهای ۱۰ - ۳ آبان ۱۳۵۶ (۲۵ اکتبر تا یک نوامبر ۱۹۷۷ میلادی) در صوفیه پایتخت بلغارستان، برگزار شد. بیش از صد هیئت‌نماینده و از جمله نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، در این کنگره شرکت داشتند.

کنگره صوفیه به اتفاق آراء پیشنهاد "هیئت اجراییه" را مبنی بر بسط مناسبات و تحکیم روابط با سازمان ما تصویب کرد. شرکت‌نمایندگان "ادیسی" در کنگره دوازدهم "ا.ب.د"، در عین آنکه نشانگر وجهه فزاینده سازمان نوین ما در پهنه بین‌المللی است، از وظیفه شناسی و مسئولیت ما در برابر دانشجویان و جوانان ایرانی و بازتابی آوای آنها در مجامع بین‌المللی حکایت میکند.

سخنرانی نماینده "ادیسی" در کنگره

کنگره دوازدهم، پس از استماع گزارش عمومی، "کمیته اجراییه" به بررسی تجربیات جنبش بین‌المللی دانشجویی پس از کنگره یازدهم، جهات عمده تکامل آن و نقش "ا.ب.د" در پیکار با امپریالیسم و در راه صلح، امنیت، همکاری بین‌المللی، دمکراسی، استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی و حقوق صنفی دانشجویان پرداخت.

در بخش ۱۷۰ گزارش عمومی "کمیته اجراییه" گفته میشود:

در دستور کار کنگره دوازدهم "ا.ب.د. ۰" قرار داشت. "کمیته اجراییه" در گزارش خوشجمع‌بستی از فعالیتها و ابتکارات گوناگون "ا.ب.د. ۰" و سازمانهای عضو و دست خود در این زمینه ارائه و اظهار امیدواری کرد که این گزارش مبنای برای بحث در باره فعالیتهای جنبش بین‌المللی دانشجویان مترقی و دمکرات در راه تدارک پیروزمندانۀ این گروه‌های دانشجویان و جوانان جهان باشد.

ماهیت ضد فرهنگی و ملیتاریستی رژیم ایران افشا میشود پس از پایان بحث عمومی، کنگره کار خود را در هشت کمیسیون "همبستگی بین‌المللی دانشجویان"، "فرم و دمکراتیزاسیون فرهنگ و مبارزه با بیسوادی"، "کمک هزینه تحصیلی، ورزش، فرهنگ، مبادله، مطبوعات و فعالیت‌های دانشگاهی"، "مناسبات نوین اقتصادی در سطح بین‌المللی"، "یازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان"، "خلع سلاح، امنیت خلق‌ها و همکاری بین‌المللی"، "وحدت و همکاری دانشجویان - پان" و "گسترش فعالیت‌های ا.ب.د. ۰" ادامه داد. نمایندگان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در جلسات کمیسیونهای مختلف شرکت کردند و در سخنرانیهای خود در کمیسیونهای "فرم و دمکراتیزاسیون فرهنگ و مبارزه با بیسوادی" و "خلع سلاح، امنیت خلق‌ها و همکاری بین‌المللی" از ماهیت ضد فرهنگی و ملیتاریستی رژیم ایران برده‌سر داشتند.

ایران در آئینه قطعنامه‌های کنگره دوازدهم "ا.ب.د. ۰" قطعنامه‌های کنگره دوازدهم "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در باره مسائل حیاتی روزگار ما، از وفاداری و تعهد رزجوانان دانشجویان جهان به مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم و برای صلح، استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی حکایت میکند.

در قطعنامه "کنگره" بیکار مردم و دانشجویان ایران را علیه اختناق و برای آزادی‌های دمکراتیک میستاید.

در بخش دیگر این قطعنامه میخوانیم:

"کنگره پیمانهای نظامی "ستسو" و "آنزوس"، قرارداد های دفاعی ژاپن - ایالات متحده، کوشش برای

تبدیل "آستان" به پیمان نظامی، انباشت معتدلیه جنگ افزارهای آمریکایی در ایران و دیگر کشورهای آسیا و پایگاههای نظامی امپریالیستی در آسیا را، که صلح، امنیت و حاکمیت بسیاری از کشورهای آسیا را مورد مخاطره قرار میدهد، محکوم میکند.

در "قطعنامه خاورمیانه" گفته میشود:

"کنگره ۰۰ همدستی رژیمهای ارتجاعی ایسرا، عربستان سعودی و اردن را در درهم شکستن انقلاب عسمان به رهبری "جبهه ملی آزادی عمان" و عقیم ساختن بیکار آزاد بیخشم مردم عمان علیه سیستم نفوذ آلی آن کشور محکوم میکند. سلاح‌های معتدلیه و مدرنی که به رژیمهای ارتجاعی و هواداران امپریالیسم منطقه، به ویژه اسرائیل و ایران واگذار میشود از حدود حقوق مشروع دفاعی این کشورها پس‌متجاوز است و هدف آن اخلال ثبات منطقه و مبارزه کارشکنانه با دستاوردهای مترقی جنبش آزادی بخش عرب است."

فعالیت‌های افشاگرانه "ادیسی" در کنگره

نمایندگان "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" در ملاقاتهایی که در جنب کنگره با بسیاری از هیئتهای نمایندگی بعمل آوردند، به افشای ضد رژیمی و تبادل نظریات و تجربیات پرداختند. پلاکتهای و جزوات اطلاعاتی، که بطور وسیع میان شرکت‌کنندگان کنگره پخش شد، و همچنین کارتی که به پیشواز کنگره دوازدهم "ا.ب.د. ۰" از جانب سازمان ما تهیه گشته بود (به پشت‌جلد "آرمان" شماره ۵، رجوع شود)، مورد توجه و استقبال فراوان همگان قرار گرفت.

ما کنگره دوازدهم "اتحادیه بین‌المللی دانش جوانان" را بعنوان یکی از مهم‌ترین رخداد های نهیمت جهانی دانشجویان در سالهای اخیر ارزیابی میکنیم و معتقدیم که تصمیمات آن راهنمای بیکارهای ضد امپریالیستی و تزقیخواهانه دانشجویان سراسر جهان در سالهای آینده خواهد بود. شرکت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در این کنگره سرآغاز فصلی است جدید در تاریخ پرافتخار همبستگی بین‌المللی دانشجویان ایران با جنبش مترقی و دمکراتیک دانشجویی و سازمان پیشاهنگ این جنبش - "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان".

# زنده باد همبستگی بین‌المللی دانشجویان جهان

## خط مشی منغیر با منافع خلقها

اتحاد شوروی را دشمن شماره یک خلق چین معرفی کرد. در مورد امپریالیسم آمریکا، برخلاف کنگره ۱۰ که آنرا (البته در حرف) دشمن شماره یک چین اعلام کرده بود، دارو دسته هواکوفنگ بر این عقیده است که "خطر کمتری" حساب میشود وقتی میتواند متحد موقت باشد.

هواکوفنگ در گزارش خود به "کنگره" تصویبی تحریف شده از ساختار اجتماعی اتحاد شوروی و سیاست داخلی و خارجی آن و همچنین در مورد روابط شوروی و چین ترسیم کرد، بدون آنکه حتی کلمه‌ای در باره استکرات اتحاد شوروی در سالهای اخیر برای بهبود روابط با چین سخن گوید. هواکوفنگ، بهمان همبستگی مائوئیستی در باره "خطر شوروی" را تکرار کرد.

یک چنین جوهر آلود ضد شوروی که بر "کنگره ۱۰" حاکم بود، نمیتوانست نتایج مثبتی در جهت اصلاح اشتباهات رهبری مائوئیستی بکن بوجود آورد. هواکوفنگ در کنگره اعلام کرد که جنگ جهانی جدید ناکزیر است و باید با جدیت به پیشواز آن رفت. این چنین طرح مسئله مسلماً هدفی جز توجیه سیاست نظامی پکن و دامن زدن بیشتر به آن که هم اکنون ۴۰٪ بودجه چین را میبلعد، ندانست.

"آماده شدن برای جنگ" وظیفه‌ای بود که در کنگره برای سیاست خارجی پکن اعلام شد و این به روشنی برخورد خصمانه مائوئیستی را به روند تنش‌زدایی به منابه تنها آلت‌ناتیو واقع بینانه، نشان میدهد. اگر چه رهبران پکن گویندند خود را طرفدار صلح و تنش‌زدایی نشان دهند، ولی چنانکه اسناد کنگره نشان میدهد، هیچگونه اقدام و ابتکار مشخصی از طرف مائوئیستهای پکن به جز "تولنها را عمیقتر کنید ۱۰۰۰" برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی، کاهش و خاموشی اوضاع بین المللی و بالاخره پیشگیری از جنگ ارائه نشده، برعکس، تمامی فعالیت پکن، بر پایه مستعمل کردن جنگ جدیدی است.

حدود یکسال از مرگ مائو و حکومت گروه هواکوفنگ، در چین میگذرد. وقایع نشان میدهد، سیاستی که توسط مائوئوسه دون به جمهوری تودهای چین تحمیل شده بود، بدون کم و کاست از طرف جاننشینان او دنبال میشود.

یکسال حکومت هواکوفنگ و به ویژه به اصطلاح یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین، به خوبی نشان دادند که ارزیابی احزاب کمونیستی و کارگری جهان در باره رهنمهای اجتماعی و طبقاتی مائوئیسم در مورد جاننشینان مائو نیز صادق است. سیاستی که در "یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین" اختیار شده با آرمانهای سوسیالیستی و آموزش مارکسیسم-لنینیسم بیگانه، مغایر منافع اردوگاه سوسیالیسم، جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و جنبشهای رهاشی بخش ملی، در ضدیت آشکار با روند تنش‌زدایی و صلح و در خدمت نیروهای امپریالیستی و خامت طلب و مخالف همزیستی و صلح در سراسر جهان است.

اسناد کنگره ۱۱ حزب کمونیست چین، منتشره در مطبوعات چین حاکی از آنند که این کنگره خط مشی مائوئیستی سابق را برای فعالیت آتی رهبران پکن تأیید کرده است. با وجود تبلیغات پر سرو صدایی که در باره "باند چهار نفر" برافراخته بودند، پسر خلاف ادعای رهبری جدید پکن در مورد الویت دادن به رسیدگی به وضع نایبامان اقتصادی مولود برنامه‌های ماجراجویانه گروه مائو، عمدترین مسئله‌ای که در برابر کنگره قرار گرفت، همانا مسئله برخورد رهبران پکن به مسائل حاد سیاسی خارجی بود. رهبران پکن باید انتخاب میکردند که در کدام سوی جبهه قرار دارند. در جبهه جنگ یا صلح، تنش‌فزایی یا تنش‌زدایی، انقلاب یا ضد انقلاب. و همانطور که جریان کنگره ۱۱ و مصوبات آن نشان داد، رهبری پکن در جبهه جنگ، تنش‌فزایی و ضد انقلاب ایستاده است.

در ارزیابی از اوضاع جهان، رهبری پکن بگذرد در "گسترش" تئوری مائوئیستی جهان‌به‌پیش‌گذاشت و



# پرخاش

# در قالب

# هنر



اثر رضا اولیا

رضایتبخش و نیرو دهنده برای ادامه کار در جهت بهتر عرضه نمودن آن و در نتیجه کامل کردن این بخش از مبارزه در جائیکه رژیم ایران با کارزار تبلیغاتی فراوانش حتی در این حیطه و با به رسمیت شناختن هنرمندان اخته و خود فروخته، عوام فریبانه می‌کوشد هنری "خشنی" را با تقلیدی کورکورانه از پندیده های هنری منحط سرمایه داری آمریکا و اروپا، به خصوص آن نوع پندیده هائی که در تجزیه و تحلیل نهائی حاصل سردرگمی های جوامع پرتنش و سرمایه داری است، با بزرگ و به ضرب جارو جنجال های تبلیغاتی و به راه انداختن جشنواره ها و فستیوال های متعدد، با صد من سرشیر به مردم ما پخش کنند، این نمایشگاه با دربرگرفتن آثار نام آورترین و متسرقت ترین هنرمندان ایتالیائی و هنرمندان متسرقتی ایرانی مقیم خارج، صدای رسائی است از اعتراض در تمام زمینه ها و جوامعی است دندان شکن به رژیم و برنامه های ضد فرهنگی و ضد مردمی آن.

سازمان جوانان و دانشجویان د مکررات ایران، از همان رسد و پدیدایش، با وقوف کامل به تعهد مردمی خویش، پیگیرانه در جبهه پیکار هنری ضد رژیم نیز، رزمیده است. در ماه ژوئن ۱۹۷۵، مبارزه پیروزمند - از مانع علیه گروه "بالرین" های "شعبان بی منخ"، که به نمایندگی از سوی رژیم شاه، به سمت وصال بین المللی رقص و نیز فرستاده شد بود - چنان رژیم را چنین هنرمندانی با بد - مبارزه ای که به خارج مفتضحانه گروه نامبرده انجایید و به وسعت در رسانه های گروهی ایتالیائی منعکس شد،

پس از یکسال است که به ابتکار ادیسی نمایشگاههای نقاشی همراه با مدارک و عکسهای مختلف از ایران با ماهیتی افساگرانه و مترقی، با کیفیت خوب هنری و سیاسی در سراسر ایتالیا در گردش است. بخش هنری نمایشگاه با نقاشی پس از صد و پنجاه اثر نقاشی، طراحی، تندیس، حکاکی، لیتوگرافی، از هنرمندان مترقی ایرانی و برجسته ترین هنرمندان ایتالیائی مورد توجه بیحد تماشاچیان قرار میگیرد. این نمایشگاه برای اولین مرتبه در شهر (اسکاندچی) افتتاح شد و از آن پس شهرهای مختلف دیگری را مانند پیستویا، بلونو، بادوا، پروجا، بلونیا را پشت سر گذارده و به زودی در شهرهای فلورانس، راتونا و دیگر شهرهای مهم ایتالیا افتتاح میگردد.

عنوان نمایشگاه "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" است و در هر شهر با حمایت مادی و معنوی احزاب و سندیکاها و سازمانهای مترقی ایتالیا و با شرکت فعال اهالی، هنرمندان و شخصیتهای محلی گشایش مییابد و از طریق وسایل ارتباط جمعی مثل رادیو و تلویزیون و مطبوعات و با پخش اعلامیه های متعدد و نصب آفیش نمایشگاه در نقاط حساس شهر و در نتیجه با شرکت اقشار مختلف مردم توانسته است کامهای موثری در افشای رژیم شاه برداشته و جبهه واقعی درخیم ایران را به مردم ایتالیا شناسانده و پشتیبانی همه جانبه مردم ضد فاشیست ایتالیا را با خود داشته باشد.

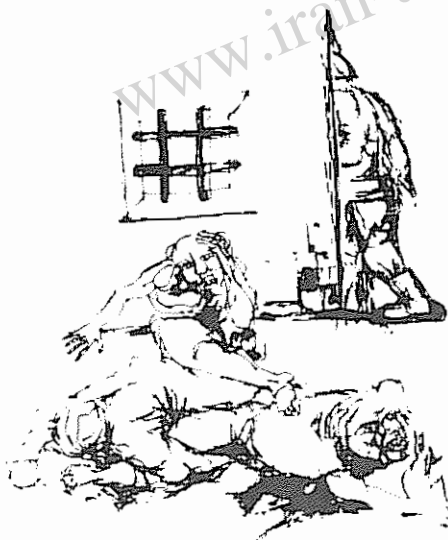
توفیق نمایشگاه و علاقتندی مردم و بحثهای گوناگونی که در این رابطه در هر شهر ایجاد میگردد، توفیقی است



"مادر حکمت جو"، اثر نادار

تجلی آشکاری از استواری ما است در دریدن نقاب رژیم، هرچند  
و سپهرشکل که درآید \*

هنر اصیل و مسئول در اشکال گوناگونش در تمام طول  
تاریخ به مناسبت نوعی ابزار مقاومت و مبارزه بر علیه ستم بوده و  
بانمایش واقعیت، مشتاق بوده بر دهان ستمگران \*  
با اینکه نقاشی و پیکره سازی از آن دسته از هنرهای  
سده می پذیر است که در شرایط فاشیسم و خفقان آن چنانکه  
باید امکان رشد ندارد، می‌الوصف ذکر این نکته  
مروری است که امروزه در گوشه و کنار ایران هنرمندان با  
ررشی در حفا به جستجو و عرضه واقعیت ادامه می‌دهند  
و شناسائی دقیق و بحث در باره آثارشان در این شرایط  
ممکن است \*



شکجه

در این نمایشگاه آثار هنرمندان ایتالیایی که از دوران  
فاشیسم موسولینی باگرد هم آبی در شهر میلان و تشکیل  
گروه "جریان" (Corrente)، هر یک یا شیوه خاص خود  
راهی عرضه کرده اند که چه از نظر شکل و چه از نظر  
مضمون در نقطه مقابل هنر رسمی دوران فاشیسم قرار  
داشته سهم بسزائی دارد \*

این هنرمندان مترقی با دوری جستن از تمام مظاهر  
"هنری" فاشیسم و گزینش راهی نوین با بیانی گامشاعرانه  
گاه معترض و گستاخ، با نمایش مسائل حاد آن زمان در  
اشکال موجز، با معیاری انسانی و قابل درک، با شرکت  
فعال در مباحثات هنری آن روز سدی مقاوم در مقابل نفوذ  
"فرهنگی و هنری" فاشیسم به وجود آوردند \*

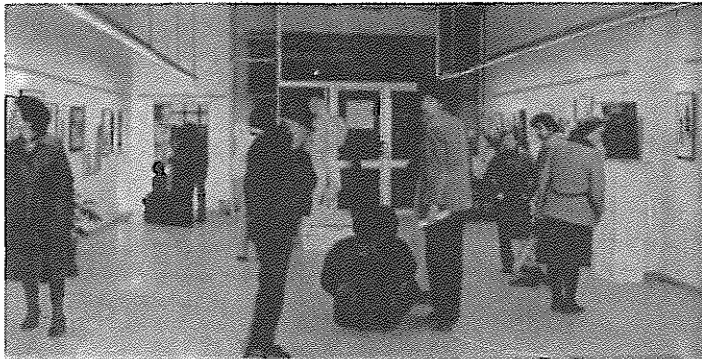


از: رضا اولیا

"کشتار خیابانی ساواک"

کشور ایتالیا ثبت شده است، تأییدی است بر مبارزات  
افشاگرانه و ضد فاشیستی ادیسی در برگزاری این نمایشگاه.  
به خصوص اهدای آثار گوناگون هنری به زندانیان سیاسی  
ایران و از جمله اهدای طرح جالبی به مناسبت سی‌امین  
سال بایرداری صفر قهرمانی در زندانهای شاه، کیفیت  
ممتاز به نمایشگاه بخشیده است. ن.

ترکت هنرمندانی نظیر کوتوزو (Guttuso)،  
ترکانی (Treccani)، دووا (Vedova) و  
تونوزانکارو (Tono Zankanaro) که تنها از  
سال ۱۹۲۷-۱۹۴۷ دوهزار طرح علیه فاشیسم و شخص  
موسولینی آفرید مانند امروز همگی در کتاب عظیم  
(IL Gibbo) به عنوان سندی پرارزش و گنجینه هنری



نمایشگاه ادیسی

در شهر بولونیا (ایتالیا)

# شما کارخانه نه لازم!

عکس شاه را نشانش دادم که مثل جغد سرد یوار نشسته بود .

گفتم : تو جیب این بُغیوز .  
از جایش پرید . مسیو بوش ، دراز و کمی جاق ، جلوی ما سبز شده بود .

خادم خود شرا معرفی کرد و مرا هم به عنوان یکی از " شخصیت‌های مهم فرهنگی کشور " - نیدانم چسرا فرهنگی - به یارو جا زد .

مسیو بوش نیشش را باز کرد و دندانهای زردش را بیرون ریخت . از چشمهایش شرارت میبارید . نزدیک ظهر بود و من دلم برای " شنا تو بریان هیلتون " غش میرفست . ولی مسیو بوش ما را به یک استکان ویسکی " به حساب دولت " دعوت کرد . خادم با اشاره به من فهمانسد ناهار بعد !

رفتیم نشستیم . پشت میزها و روی آنها پر بود . من هنوز تو خط " هیلتون " بودم و آدمهایش که به هزار و یک زبان زنده دنیا ور میزدند .

خادم ، انگلیسی میدانست و مسیو بوش فرانسوی و هر دو کمی آلمانی که با آن دست و پا شکسته حرف میزدند . من ساکت بودم . ویسکی آوردند . مسیو بوش مانند تشنه - ای که به آب رسیده باشد ، گیلان شرا بلند کرد .  
- به سلامتی !

من با تعجب به او نگاه کردم . مسیو بوش فارسی میدانست .

پرسیدم ، شما فارسی بلدید ؟  
خندید . دندانهای زردش قاب صورتش را شکستند .  
- من قبل از اینجا بیانی ، فارسی یاد گرفتی !  
خادم چهار دست و پا پرید توی حرف ما .  
- پس شما ایرانی ... شما اصل ایرانی !

با خادم رفته بودیم " هیلتون " دنبال مسیو بوش . تلفن کرده بود که با یک چمدان " طرح و برنامه برای آبادی ایران " به تهران آمده است . همان روز " والا کهر شهرام " سفارش حضرتشان را کرده بود .  
من هیچکاره بودم . داشتم جدول حل میکردم که سر و کله خادم پیدا شد . گفتم :

- باشو برویم " هیلتون " ، کاری که نداری ؟  
گفتم : نه

گفتم " هیلتون " را می بینی ، هم مسیو بوش را ، ناهار را هم افتادی ...

گفتم : میام ، فقط برای دیدن " هیلتون " ، و گرنه سه گور پدر مسیو بوش و تو با ناهاری که میخواوی به من بدی رفتیم " هیلتون " . سوزن میانداختی پائین نمیآمد سالن انتظارش بیشتر شبیه به بازار بورس بود . یک مشت زن و مرد ، با ریش و بی ریش ، کوتاه و بلند ، لاغر و چاق ، راضی و کمی جدی و اغلب با کیفهای روم کرده ، مثل نرم توی هم میلولیدند .

به مسیو بوش خبر دادند که " نمایندگان دولت " منتظر " تشریف فرمائی " شما هستند .

نشستم . خادم گفت :

- نگاه کن ، از این سوراخ هر سال نصف درآمد کشور خارج میشود .

گفتم : میدانم ، نصف دیگرش هم از طریق دربار بیرون میرود .

لبهایش را گزید . سر حرف را برگرداند .  
- محل دنجی است . نیدانم درآمد هنگفت

این هتل توی جیب کسی میرود ؟  
گفتم : مرگ من نیدانی ؟  
گفتم : نه !

مسیو بوش با غرور سرش را تکان داد .

— من ایران خیلی دوست داری !

مسیو بوش بلژیکی بود . ولی برای یک شرکت آمریکائی دلالی میکرد . دفعه سومش بود که به ایران میآمد و خادم این را نمیدانست .

من توانستگان دوم . ویسکی بودم که مسیو بوش استان سوش را بالا رفت . در این موقع چشمهای ما توی هم افتاد . مدتی به من نگاه کرد . نمیدانم چه فکر میکرد . انکار میخواست بداند کیستم و در ماهیروستی که به عهده دارد از من چه استفاده های میتواند بکند . ولی نمیدانم در صورت من چه خواند که ناگهان اخمهایش را درهم کشید . سیگارش را بدون اینکه به ما تعارف کند آتش زد و دود آنرا با نفرت توی صورت من پاشید . چند شم شد . باز خنده اش را ول داد . معلوم بود از اینکه مرا آزرده ، راضی است . گفت :

— مسیو من ایران خیلی دوست داری ، خیلی دوست

داری . . . .

بعد پرسید ، — شما ایران دوست داری ؟

به چشمهایش که ردیلا نترسیده بود نگاه کردم .  
الکل هم مرا گرفته بود . گفتم ،

— مسیو بوش ، من ایران دوست دارم ، شما بوشول ایران .

خونم به جوش آمده بود . خادم با پایش روی پای من فشار داد . مسیو بوش نفهمید . او گلیاس خالیش را بار دیگر پر کرد .

— شما ایران ، خیلی پول داری . . . . گنده ! من ماشین داری ، شما پول داری !  
توانستم بر خودم مسلط شوم .

— مسیو بوش ، شما چه طرحهایی برای آبسادی کنسرو ما آورد هاید ؟ حتماً . . . . خیلی مهم است ؟  
واژه " طرح " را نفهمید . خادم حرفم را برایش ترجمه کرد .

— من خیلی آردی ، کارخانه آردی ، طرح آردی . . . . دستش را به طرف کیفش برد که خادم به او توضیح داد ما فقط " مهانداران " او هستیم و فردا " نمایندگا- " گان " ویژه آقای وزیر با او ملاقات خواهند کرد . با اینحال مسیو بوش توضیح داد :

— من یک کارخانه بزرگ . . . . (دقت کوچکی رایان کرد و اسم فارسی آنرا که به لاتین نوشته شده بود بازحمت خواند ) آب هویج سازی . . . . خیلی بزرگ ، آردی . شما لازم ویتامین بخوری ، خیلی ویتامین . . . . ایران لازم خیلی ویتامین بخوری ، دو کارخانه کنسرو . . . . سالاد کاهو بخوری ، یک کارخانه شیر آمد ، آب آمد . . . .

که این آخری را نفهمیدم چیست و اصراری هم نکردم . بعد برگشت به طرف خادم و چیزهایی هم به زبان فرانسه

به او گفت که نفهمید . مست کرده بود . به چشمها و طرحهایش که روی میز ریخته بود نگاه کردم . دلم حتی به حال ویسکی ای که به حساب دولت خورده بود ، سوخت . گفتم :

— مسیو بوش ، ادایش را در آوردم ، برای شما کارخانه آب هویج سازی نه لازم ، برای ما ذوب آهن لازم ، تراکتور سازی لازم ، کمباین لازم . . . .

فراموش کرده بودم که مسیو بوش فارسی را خوب نفهمید . ولی نمیدانم تحت تاثیر الکل بود ، عرق ملی بود ، چی بود که دور برداشته بودم .

— آخر بنده خدا ما هویج نداریم که شما میخواهید آب آنرا برای ما بگیری . ما نان نداریم ، شما میخواهید برای ما سالاد کاهو درست کنید !

چشم افتاد به خادم . حواسش شش و تنگ رفته بود تو سینههای مصنوعی یک زن آمریکائی . ولی مسیو بوش زل زل به من نگاه میکرد . خون جمع شده بود توی صورتش . حالت ناآرام من او را علم نآرام کرده بسود . میدیدم سیگار توی دستش میلرزد .

گارسون آمد ، یک بطر ویسکی دیگر روی میز گذاشت و رفت . عدایم را آرامتر کردم :

— مسیو جان ، آخر این پول بی صاحب نفست پنجمال دیگر ، ده سال دیگر تمام مینود . آنوقت ما بسا کارخانههای آب هویج سازی شما چکار بکنیم ؟ آخر مگر کارخانه فقط است که شما یا به ما اسلحه میفروشید ، یا آب هویج اماله میکنید ؟

خادم هنوز حواسش آن طرف بود . رنگ قرمز صورت مسیو بوش کم بیستر شد . بدون اینکه چشمهایش را از توی صورت من بردارد ، استکانش را عقب زد . سیگارش را که به آخر رسیده بود با فشار توی زیر سیگاری حاموش کرد و یکدوب با خشم روی میز کوبید .

— شما کمونیست ، شما ایران کمونیست .  
خادم مثل اینکه درفش جانشین کرده باشند ، ناگهان از جایش پرید . مسیو بوش میلرزید . من با نگرانی به اطرافم نگاه کردم . انتظار این یکی رانداستم . حسادم رنگش مثل گچ سفید شده بود . مسیو بوش همه صدایش را بیرون ریخت :

— شما کارخانه نه لازم ، شما عقل لازم ، ویتامین لازم ، کمونیست نه لازم !  
مشم گفتم آ لکل لا ، هر چی شد شد . مشم را کوبیدم روی میز :

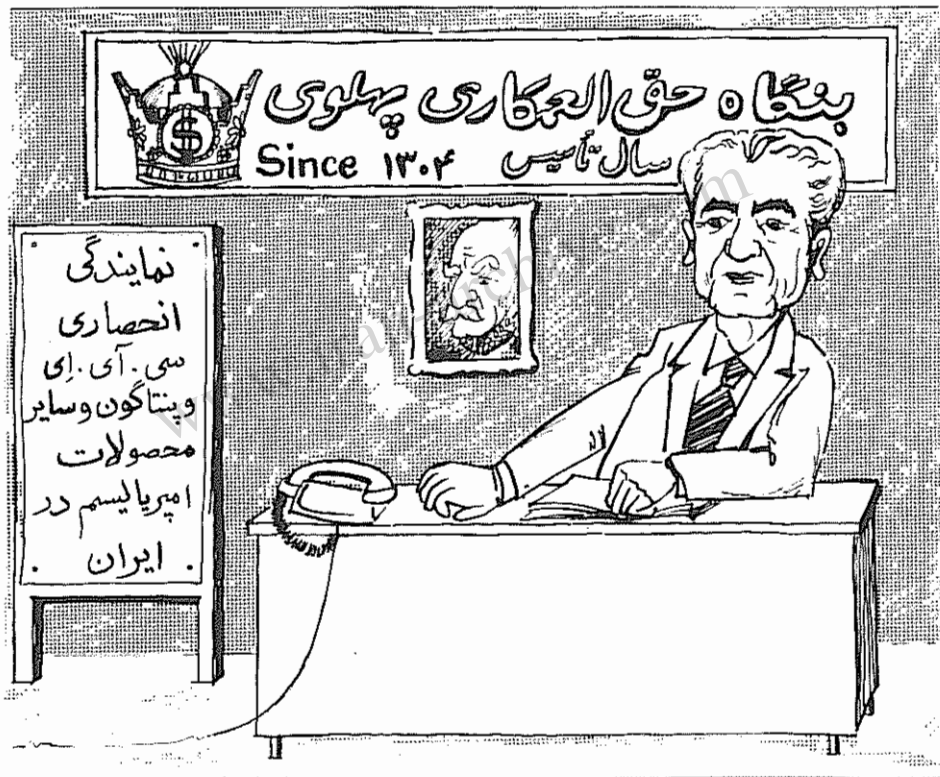
— نه مسیو بوش ، من ایرانی ، برای ما نان لازم ، آب هویج نه لازم .  
مسیو بوش این بار نعره کشید :

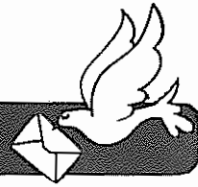
— شما آب هویج لازم ، نان نه لازم !  
خادم به من اشاره کرد :

— چیزی نمانده بود کار دستمون بدی. ترا چه به  
 " هیلتون "، خدا را شکر، بحیر نداشت. به مسیو بوش  
 گفتم رفیقم کمی " دیوانه " است.  
 پرسیدم، مسیو بوش چه گفت؟  
 سرش را تکان داد:  
 — هیچی، گفت آب هویج که خورد دیوانگیش  
 خوب میشه!

۱۰ البرز

— بزنی به چاک، تا " ساواک " ترسیده خودت را  
 برسون بیرون.  
 نگاه کردم، کسی متوجه ما نبود. انگار همه در باره  
 ساختن کارخانه آب هویج سازی با هم بحث میکردند.  
 سیگارم را برداشتم و بدون خدا حافظی " هیلتون " را  
 ترک کردم. داغ " شاتو بریان " به دلم ماند.  
 روز بعد خادم بدیدم آمد. هنوز تو خودت نبود.  
 گفت:





## پاسخ به خوانندگان

دوست محترم، اتحاد، مبارزه، پیروزی!

به آدرس نما آرمان فرستاده شد. لطفاً کمک مالی را به نشانی بانکی که در صفحه ۲ آرمان ذکر کرده، ارسال دارید.

دوست محترم م. ر. مینویسد:

رفقا! بالاخره بعد از عمری موفق به دیدن انگلستان این بهشت دنیای سرمایه‌داری شدم. یکی از نخستین کشورهای سرمایه‌داری که به خیال بعضی از طرفدارانش "جامع‌العی" که به بهترین نحو شکل گرفته و رشد یافته... بهرستی اجتماعی را راه عمومی آسایش و آرامش و هژازا صفت دیگر است که به این جامعه می‌بندند. حال بینیم مردم در این بهشت چگونه با جنیبا‌های غسل‌جویان بهستی سر می‌بندند و آیا واقعاً زندگی هست یا نه... شهری که در آن مدتی بسر بردم ناتینگ‌هام،

یکی از شهرهای صنعتی، با حدود یک میلیون جمعیت در دویت‌لیومتری شمال لندن قرار دارد.

اثر ساکنان این شهر کارگران معادن ذغال

سنگ اعراف‌آند که تعداد زیادی از آنها هندی و

پاکستانی و سیاه پوست هستند که در دوران رونق

سرمایه‌داری توسط دولت به اینجا آورده شده‌اند و

اکنون با این وضع بحرانی نمی‌دانند با آنها چکار کنند. نه

میتوانند آنها را بیرون کنند و نه نگهداری و ماندنشان

بمنفع سرمایه‌داریست. بهر حال، شهری است ساکت و

سرد. بدون هیچ حرکت و جنبشی، توگوئی اصلاکسی زندگی

نمیکند، توگوئی جنبد‌های نیست. اگر سرمای زیاد به تو

اجازه بدهد که از خانه خارج شوی باز چیزی نمی‌بینی،

حقوق یک کارگر ساده حداکثر چهل تانپنجاه لیسه

استرلینگ است که حدود ۱۵ تایی آن برای باز نشستگی

و بیمه و غیره کم می‌شود و با هزینه سنگین زندگی، میشود

حساب کرد که به کدام خرج میرسد. البته کرایه‌خانه

نسبت به لندن کمتر است، ولی باز هم یک سوم درآمد را در

برمی‌گیرد. این وضع باعث میشود که اغلب کارگران بسه

اضافه کار تن در دهند و روزانه تا ۱۴ ساعت کار کنند تا

بتوانند خرج خود و خانواده را در آورند.

ناگفته نماند که کارگران خارجی از هیچگونه حقوق

اجتماعی برخوردار نیستند. در مدرسه به بچه‌های آنها توجه نمی‌شود، مورد حمله مستان انگلیسی آخر شب واقع میشوند. عجیب است که بچه‌های آنها بعد از ده سال اقامت و تحصیل هنوز انگلیسی را خوب نمی‌دانند. این شهر یک دانشگاه دارد و یک پلیتکنیک و حدود پنج کالج. دانشگاه از هر نظر وسائل رفاه را برای دانشجویان مرفه، چه خارجی و چه انگلیسی فراهم کرده، ولی بخاطر بسط فرهنگ بورژوازی فردگرایی و سنت پرستی فاسد انگلیسی، دانشجویان در ایام فراغت از تحصیل، بجای کتاب خواندن و تفریحات سالم و ورزش، به پاپ‌ها و دانسینگ‌ها و مشروب فرونی‌ها پناه می‌برند و وقت را به بظالت می‌گذرانند...

حدود صد یاکمی بیشتر دانشجوی ایرانی در این شهر هستند که اغلب از خانواده‌های نسبتاً ثروتمند آمده و می‌نمود گفت که به دودسته تقسیم می‌شوند، درس‌خوانها و درس‌نخوانها که متأسفانه بجز تعدادی انگشت شمار بقیه وقت آزاد خود را در این دانسینگ‌ها می‌گذرانند. آنچه نغری هم که ظاهراً خود را به مسائل سیاسی علاقمند نشان میدهند مثل اینکه از سیاست فقط تبلیغ علیه اتحاد شوروی را فهمید مانده. بجای اینکه به ریشه نفوذ نو استعمار در ایران، یعنی نفوذ انگلستان و آمریکا بپردازند و رژیم جنایت پیشه شاه را به دانشجویان بشناسانند، مرتباً به شوروی بد می‌گویند. البته هستند کسانی که با نظریات آنها مخالفند و کار جدی انقلابی انجام میدهند... موفق باشید

آرمان - ما برای شما نشریه خواهیم فرستاد. از گزارش تعدادی باره شهر تحصیلی‌تان متشکریم.

دوست محترم داوید از آمریکا! و همسۀ کسانی که علاقمند به کمک مالی به ما می‌باشند! ما جک به نام "ادیسی" را نمیتوانیم از بانک دریافت کنیم. لطفاً بهای نثریات و کمک مالی را به نشانی بانکی صفحه ۲ آرمان ارسال دارید. قش بانکی را به آدرس ما بفرستید. متشکریم.

### توجه

حتمتاً در مکاتبات با ما، اسپهستعار هم برای خود انتخاب کنید. مادر آرمان به اسامی مستعار خوانندگان پاسخ میدهد.

